

تربیت

گاهنامه علمی - تخصصی

شماره سوم، اردیبهشت ماه ۱۳۹۸

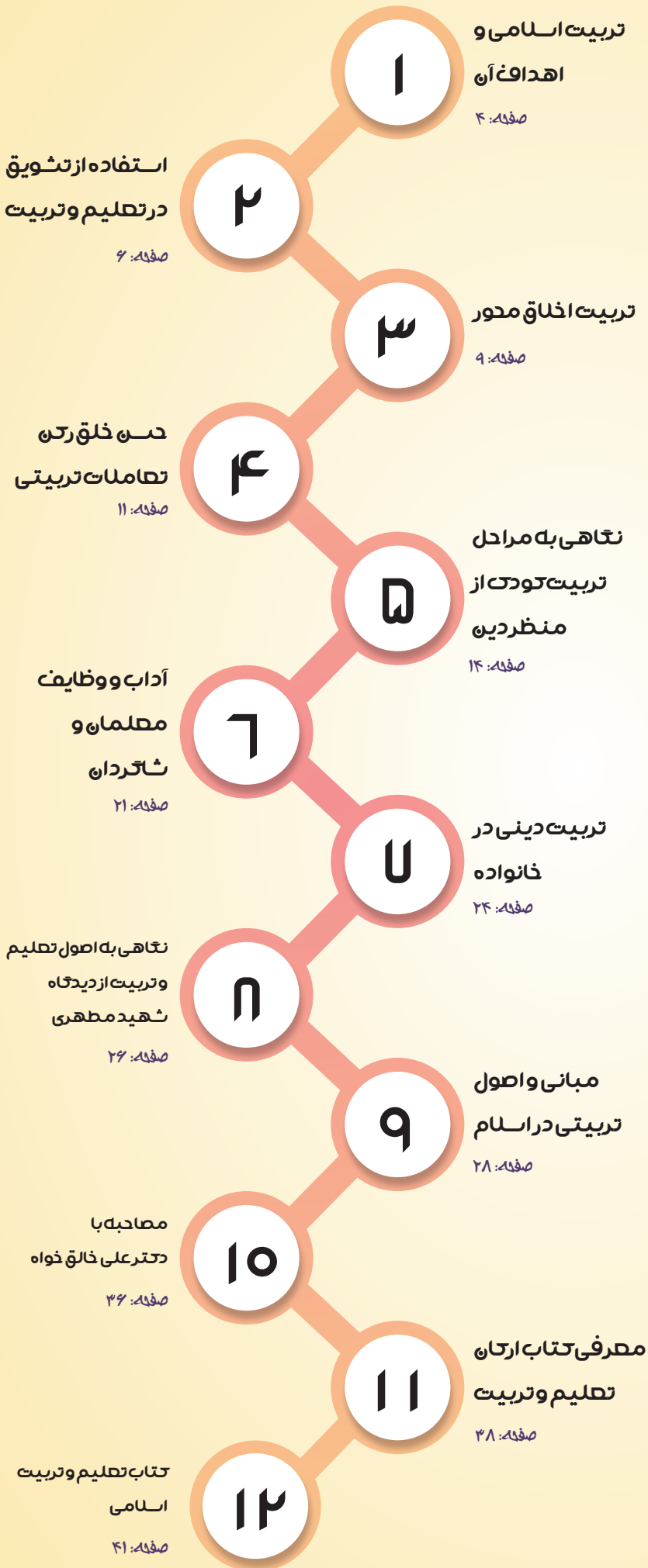
- 
- تعلیم و تربیت اسلامی
 - استفاده از تشویق در تعلیم و تربیت
 - تربیت اخلاق محور
 - حسن خلق رکن تعاملات تربیتی
 - نگاهی به مراحل تربیت کودک از منظر دین
 - آداب و وظایف معلمان و شاگردان
 - تربیت دینی در خانواده
 - نگاهی به اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری
 - میانی و اصول تربیتی در اسلام
 - مصاحبه با دکتر علی خالق خواه
 - معرفی کتاب ارکان تعلیم و تربیت
 - معرفی کتاب تعلیم و تربیت اسلامی



آدمی باید به همان اندازه که درباره معاش خود فکر می کند، درباره غذای روح خود نیز بیندیشد

استاد مطهری





عنوان:
تربیت

زمینه انتشار:
علمی - تخصصی

صاحب امتیاز:
انجمن علمی علوم تربیتی دانشگاه
محقق اردبیلی

مدیر مسئول:
مژده نادری

سر دبیر:
سعیده هژبری

استاد مشاور:
دکتر حسین تقوی

هیأت تحریریه:
دکتر حسین تقوی

فاطمه پناهی
زهرا عباسی

مژده نادری
زهرا حسن زاده

سعیده هژبری
طراح جلد:

رضا رسول زاده
صفحه آرا:

رضا رسول زاده

سخن سر دیر

خداوند در آیاتی از قران کریم که کتابی برای هدایت بشر است، می فرمایند: «و اذا اخذ الله ميثاق الذين اوتوا الكتاب لتبيننه للناس ولا تكتمونه»؛ «ان الذين يكتُمون ما انزلنا من البينات و الهدى من بعد ما بيناه للناس في الكتاب اولئك يلعنهم الله و يلعنهم اللاعنون» چنین آیاتی در قران کریم نشان از اهمیت امر تعلیم و تربیت در اسلام دارد. شهیدثانی از اندیشمندان تعلیم و تربیت و از بزرگان فقه، تعلیم را اساس و بنیادی می داند که قوام دین بر آن استوار شده است.

از طرف دیگر جامعیت اسلام حکم می کند که نه تنها خود تعلیم و تربیت به عنوان یک هدف مقدس و یک تکلیف الهی مورد تاکید قرار گیرد، به نحوه تحقق آن نیز توجه شود. اصولی که ما به عنوان روش تربیتی در عمل به کار می بریم، باید هم مبنای محتوایی و عقیدتی داشته باشد و هم مطابق با خصوصیات فطری و عاطفی و طبیعی انسان باشد.

به جهت تاثیر و تاثر عناصر نظام های مختلف اجتماعی و لزوم یکپارچگی این عناصر، توجه به مبانی اسلامی در تدوین برنامه ها و اتخاذ تصمیمات آموزشی در جامعه ای که ادعای اسلامی بودن دارد، ضرورتی اجتناب ناپذیر است. چنانکه بارها از طرف صاحب نظران و هم از طرف سیاست گذاران کلان نیز مورد تاکید قرار گرفته است. شماره حاضر نشریه انجمن علمی تربیتی با موضوع تعلیم و تربیت اسلامی انتشار یافته است. این شماره با پرداختن به موضوعاتی مانند مبانی و اهداف تعلیم و تربیت اسلامی، روش های تربیت در اسلام مانند تشویق و تنبیه در تعلیم و تربیت اسلامی مقوله های مرتبط با حسن خلق و آثار تربیتی آنها، تواضع و تربیت اخلاقی، تربیت دینی در خانواده و پرورش کودکان و دیگر مقالات مرتبط به این موضوع پرداخته است. همچنین برخی آثار و اندیشه های عالمان و پژوهشگران تربیتی مسلمان و آرای تربیتی آنها معرفی شده است.



تربیت اسلامی و اهداف آن

■ گردآورنده: ابوالفضل جواهری

شاید بهترین چیزی که آغازگر سفرمان در تربیت اسلامی است، این آیات قرآن باشد: «اقرا با سم ربك الذی خلق الانسان من علق - اقرا وربك الاكرم - الذی علم بالقلم - علم الانسان ما لم يعلم» علق ۱-۵

مهمترین وجه تمایز تربیت اسلامی از دیگر مکاتب تربیتی همین آیات شریف هستند. شاید شروع نزول قرآن کریم با این آیات تربیتی همراه با دلالت، اشاره به این نکته راهبردی باشد که تربیت انسان در اسلام، از همان هنگام که نطفه ای در رحم مادر بود، تربیتی مبتنی بر شیوه فکری و از طریق اطلاع، قرائت، تعلیم و بینش علمی درباره ی آفرینش انسان بوده است. از اینجا در می یابیم که تربیت اسلامی، تربیتی ربانی است.

تربیت اسلامی عبارت از مجموعه ای از مفاهیم مرتبط باهم که در یک چارچوب فکری به مبادی و ارزش هایی تکیه می کند که اسلام آورده است و پاره ای از کارها و روش های علمی را ترسیم می کند که اجرای آن باعث می شود انسان در مسیری همگام با عقیده اسلامی گام بردارد.

هدف های تربیت اسلامی:

ارزش هدف تربیتی در این است که کار را معنادار کند و به آن جهت دهد و وسایل و روش های آن را معین کند. تربیت اسلامی هدفمند است و همین هدف مندی والاترین ارزش است.

ویژگی های هدف تربیتی عبارتند از:

-شامل تمام مردم می شود.

-تمام جوانب زندگی را در بر می گیرد.

-به توازن، توافق و فقدان تعارض می انجامد.

-متناسب و همگام با شرایط، احوال، عصرها و مکان های مختلف است.

-شایسته ی بقا، جاودانگی، استمرار و رسوخ است.

-مناسب با وجود انسانی و موافق با فطرت اوست.

-واقعی و کاربردی است.

هدف نهایی یا کلی تربیت و تعلیم اسلامی عبارتست از اینکه: انسان-تمام انسان ها-به بندگی کردن خدا و پرستش او رو بیاورند. هدف کلی تربیت و تعلیم اسلامی همین است اما ممکن است چند هدف جزئی هم از آن برآید. نظریه اینکه اسلام، پیام الهی به همه ی انسان هاست، طبیعی می نماید که هدف کلی تعلیم در اسلام به تمام انسان ها و به دنبال آن آماده سازی انسان ها و به دنبال آن آماده سازی انسان عابد، بندگی و پرستش کردن او را در نظر داشته باشد.

هدف نهایی در تربیت اسلامی ثابت است و با تغییر زمان و مکان استوار می ماند. این همان وجه اختلاف تربیت اسلامی با تربیت پیشرفته ای است که جان دیویی، دانشمند آمریکایی مدعی آن است. تربیت مورد نظر او پذیرش هدف تربیتی ثابت را بیماری خطرناکی می داند که باید از آن دوری کرد. دیویی با توضیح نظریه خود در این خصوص می گوید: اندیشه ای که معتقد باشد رشد و پیشرفت به سوی هدف نهایی تغییر و تبدیل نمی پذیرد، اوج بیماری عقل بشر در انتقال از دیدگاهی ثابت به دیدگاهی بزرگ و پویا به زندگی است.



سعدالدین، محمد منیر. پژوهش در تاریخ و روش های آموزش و پرورش در جهان اسلام. مترجم: اکبرزاده، مرتضی.

استفاده از تشویق در تعلیم و تربیت

از نظر اندیشمندان اسلامی تشویق و تنبیه جایگاه ویژه ای در تعلیم و تربیت دارد. در قرآن کریم و روایات و احادیث نقل شده از پیامبران و ائمه اطهار صورتهای مختلف تشویق و تنبیه ذیل مفاهیمی مانند تبشیر و انذار، جزا و عقاب و مفاهیم مشابه برای تربیت و هدایت ذکر شده است. خداوند متعال هدف از فرستادن پیامبران را تبشیر و انذار ذکر نموده و چنین فرموده است: و تو را نفرستادیم مگر آن که بشارت دهی و بیم دهی. در آیه ۴۸ سوره انعام، آیه ۲۵ سوره فرقان، آیه ۲۸ سوره سباء همین مضمون تکرار شده است.

در سیره ائمه اطهار نیز استفاده از تشویق جایگاه بسزائی دارد. امیر مؤمنان علی (ع) در این باره به مالک اشتر چنین سفارش می کند: آنان را به نیکویی یاد کن و پیوسته تشویقشان نما و کارهای مهمی که انجام داده اند برشمار؛ زیرا یاد کردن کارهای نیک آنان، دلیرشان را (به کوشش و حرکت بیشتر) برانگیزند و از کار مانده را به خواست خدا (به کار و تلاش) ترغیب نماید.

همچنانکه دلشاد تهرانی (۱۳۹۳) بیان می کند، تشویق و تنبیه راهی مناسب در برانگیختن انسان به سوی خیر و صلاح و بازداشتن آدمی از شر و فساد است و چنانچه این روش بدرستی و بر اساس آداب آن به کار گرفته شود، نقشی مؤثر و مفید در تربیت و سازندگی شخصیت انسانها دارد. اولیای خدا برای تربیت مردمان تشویق و تنبیه را به خوبی به کار می گرفتند و همچون پزشکی حاذق و دلسوز از این روش در جهت اصلاح و اکمال آنان سود می بردند.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

[25:56] And We have not sent you but as a giver of good news and as a warner.

با نگاهی به این آیات و روایات و نیز نظرات عالمان و محققان تعلیم و تربیت اسلامی مانند شهید ثانی، شریعتمداری (۱۳۸۴) و شرفی (۱۳۸۶) می توان گفت قدردانی از زحمات شاگردان، قائل شدن تفاوت بین شاگردان با توانایی و تلاش متفاوت و ترغیب کمالگرایی از راهبردهای تشویقی مورد تاکید در تعلیم اسلامی است.

برای مثال بنا به توصیه شهید ثانی (ترجمه حجتی، ۱۳۹۱) اگر معلم ملاحظه کرد که شاگردی، مسائل و مباحث مذکور را از بر کرده و آنها را دقیقاً به خاطر سپرده است، باید از او علناً و در حضور دیگران احترام و تجلیل به عمل آورد و در صورتیکه بیم عجب و غرور و تباهی حال و مزاج روحی او در میان نباشد، او را مورد ستایش و تقدیر قرار دهد، و مراتب پیشرفت او را توأم با تقدیر و احترام به همگان اعلام کند. معلم باید از هر عواملی که او را در تشویق شاگردان به علم و دانش، مدد می کند، استفاده نماید معلم با شاگردان خود را به علم و دانش تشویق نماید و فضائل و ارزشها و مزایای علم و علماء را به آنان تذکر دهد و با سخنان شوق آفرین آنان را تشویق کند. هرگز نباید افراد نیکوکار و بدکار در نظرت مساوی باشند؛ زیرا این کار سبب می شود که افراد نیکو کار در نیکی هایشان بی رغبت شوند و بدکاران به عمل بدشان تشویق گردند.

نکته مهمی که این زمینه از طرف اندیشمندان توصیه می شود این است که: «تشویق وسیله برانگیختن است و نباید خود به صورت هدف درآید و تمام ذهن و فکر شخص را به خود مشغول سازد که در این صورت نقش بازدارنده پیدا می کند، زیرا موجب فراموش شدن هدف اصلی می شود» دیگر اینکه یه دلیل فطری بودن میل به کمال، در صورت اقدام در این جهت فرد باید تشویق شود و اصل بر تشویق است. در مقابل به دلیل اینکه فطرت تبعی انسان انزجار از نقص است، اصلی، و تنبیه و مجازات، تبعی است و هنگامی مورد استفاده قرار می گیرد که چاره ای جز آن برای بیداری و اصلاح و مداوا نباشد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳).

در تعلیم و تربیت اسلامی علاوه بر تشویق، در برخی از شرایط، برای منع ارتکاب و هدایت شاگردان به سمت هدف و جلوگیری از انحراف، تنبیه نیز توصیه شده است. روش های مشروع در نهی از منکر، می تواند راهنمای عملی اساتید برای تنبیه باشد. توصیه های مشخصی با توجه به نوع و شرایط استفاده از تنبیه توسط شهید ثانی ارائه شده است: «برای پیشگیری از سوء رفتار شاگردان و جلوگیری از ارتکاب خلاف آنان، لازم است معلم حتی الامکان با ایما و اشاره و تعریض و کنایه، راه گشای تربیت اخلاقی شاگردان بوده و از تخلف آنها جلوگیری کند. در صورت عدم تاثیر باید با صراحت و بی پرده - البته در سر و نهان و در غیاب دیگران - او را از ارتکاب خلاف نهی کند. و اگر نهی او در غیاب دیگران نیز مؤثر نیفتاد و شاگرد دست از تخلف برداشت، باید علناً و آشکارا و در حضور دیگران، او را از خلافاکاری منع کند. اگر موقعیت و اوضاع و شرائط، مقتضی شدت لحن و خشونت در گفتار باشد، نباید معلم از آن دریغ ورزد؛ اگر هیچیک از روشهای تربیتی مذکور در جلوگیری از تخلف شاگرد اثر نگذاشت و علیرغم بکارگرفتن تمام وسائط و عوامل تربیتی، چنین شاگرد، به تخلفهای خود ادامه داد و از آن دست برداشت، طرد اینگونه شاگرد و اعراض از او بجا و سزاوار می باشد.



تشویق و تنبیه با وجود اهمیتی که در تربیت دارد، به خودی خود اثربخش نیست و در عمل نیازمند ظرافتی طبیعیانه است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۳). در متون مربوط به تعلیم و تربیت اسلامی، برخی موازین و نکات و آداب برای اثربخشی تشویق و تنبیه توصیه شده است. تناسب تشویق و تنبیه با میزان و نوع عمل شخص، به موقع بودن، به مورد و تناسب شکل و محتوای آن با روحیه شخص (یعنی تشویق زبانی، رفتاری، مادی، معنوی)، ارزش محوری و فعل محوری، اجتناب از زیاده روی و تبعیض در تشویق و تنبیه و آگاهی تشویق یا تنبیه شونده از علت جزا، از جمله این موارد است.

منابع

دلشاد تهرانی، م. (۱۳۹۳). سیری در تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: دریا، چاپ هشتم.
سید رضی، نهج البلاغه (متن، ترجمه و طرح). ترجمه محمد دشتی (۱۳۹۴). بازیابی از:

<http://ahlolbait.com/media/18215>

حجتی، م. (۱۳۹۱). آداب تعلیم و تعلم در اسلام: ترجمه گزارش گونه کتاب منیه المرید فی آداب المفید و المستفید از شهید ثانی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شرفی، م. (۱۳۸۶). تربیت اسلامی. تهران: پنجره.



تربیت اخلاق محور

انسان دارای کرامتی ذاتی است و تربیت انسان باید بر اساس کرامت بنا شده باشد. تواضع، اجتناب از تکبر و خود ستایی، حق مداری، حفظ حیثیات و شئون علم و دانش، شهامت معلم در اظهار حق، و جلوگیری از تخلف و ایجاد انضباط و حس مسئولیت اخلاقی در شاگردان از جمله ابعادی هستند که برای اخلاق محوریدر ادبیات تربیت ذکر شده اند. کاربرد مفاهیمی مانند تهذیب، تادیب، تزکیه، تواضع، رفق و مدارا، تساهل و تیسر در معرفی تعلیم و تربیت توسط صاحب نظران اسلامی نشان می دهد که تربیت و اخلاق دو موضوع به هم پیوسته هستند و تربیت بدون اخلاق نمی تواند تربیت برای رشد و تعالی باشد.

خداوند در قرآن کریم می فرماید، خود را پاک بی عیب جلوه ندهید. خدا به پرهیزکاران آگاه است. آیا آنان را ندیده ای که خویشتن را پاک و بی عیب جلوه می دهند؟^۱ آری خداست که هر که را خواهد از عیب پاک می کند.^۲ پیامبر اکرم (ص) نیز می فرماید: هر کسی معتقد باشد بهترین مردم است، او بدترین مردم می باشد و هر کسی بگوید جایگاه من بهشت است، جهنم جایگاه اوست (نقل از فرهادیان، ۱۳۸۷). امام (ع) از عیسی بن مریم نقل می کند که او گفت: ای گروه حواریون: مرا به شما حاجتی است، آن را برآورید: گفتند حاجتت رواست یا روح الله! پس برخاست و پاهای ایشان را بشست، آنها گفتند: ما به شستن سزاورتر بودیم یا روح الله فرمود: همانا سزاوارترین مردم به خدمت نمودن عالم است من تا این اندازه تواضع کردم تا شما پس از من در میان مردم چون من تواضع کنید سپس عیسی (ع) فرمود: بنای حکمت بوسیله تواضع ساخته شود نه بوسیله تکبر چنانچه زراعت در زمین نرم می روید (اصول کافی جلد ۱ صفحه: ۴۵ روایه: ۶).

۱ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزُكُّونَ أَنْفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ ﴿نساء ۴۹﴾

۲ فَلَا تَزُكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ مِمَّنِ اتَّقَى ﴿نجم ۳۲﴾

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: ای دانشجو همانا دانش امتیازات بسیاری دارد (اگر به انسان کاملی تشبیه شود) سرش تواضع است، چشمش بی رشکی، گوشش فهمیدن، زبانش راست گفتن حافظه اش کنجکاوی، دلش حسن نیت، خردش شناختن اشیاء و امور، دستش رحمت، پایش دیدار علماء همتش سلامت، حکمتش پرهیزگاری قرارگاهش رستگاری، جلودارش عافیت و مرکبش وفا، اسلحه اش نرم زبانی، شمشیرش رضا، کمانش مدارا، لشکرش گفتگوی با علماء، ثروتش ادب، پسنداش دوری از گناه، توشه اش نیکی، آشامیدنش سازگاری، رهبرش هدایت، رفیقش دوستی نیکان. (همان صفحه: ۶۰ روایة: ۲).

در روایت دیگری از امام صادق (ع) در جلد ۱ اصول کافی صفحه: ۶۵ روایة: ۱ نقل شده است که: ابو بصیر از امام صادق (ع) راجع به آیه (۱۸ سوره ۳۹) کسانیکه گفتارها را می شنوند و از بهترش پیروی می کنند پرسید حضرت فرمود: او مردی است که حدیثی را شنود سپس آن را چنانکه شنیده بی کم و زیاد باز گوید.

مروری دقیق بر فرمایشات ائمه معصومین، نکات اخلاقی و تربیتی را روشن می سازد که تواضع به عنوان یک روش تربیتی یکی از آنها بوده و مشتمل بر تواضع هم استاد و هم شاگرد می باشد؛

در منیه المرید حفظ حیثیات و شئون علم و دانش، شهامت معلم در اظهار حق، و جلوگیری از تخلف و ایجاد انضباط و حس مسئولیت اخلاقی در شاگردان از جمله ابعادی هستند که برای اخلاق محوری در روابط استاد شاگردی عنوان شده است. از نظر ایشان معلم باید مقام و حیثیت علم را ارج نهاده و آنرا به خواری و ابتذال و فرومایگی نکشاند؛ همچنین باید معلم، به مقدار وسع و توانائی خویش، حق را - بدون مجامله و سازشکاری نسبت به احدی از خلق الله - اظهار کند. ایشان در جای دیگری مثالی در این زمینه بیان می کند: «اگر معلم ملاحظه کرد که یکی از شاگردان در بحث و گفتگو، از حد و مرز موضوع و یا موازین اخلاقی، پا فراتر می نهد و بالاخره مرتکب عملی می گردد که دور از نزاکت و انضباط مربوط به جلسه درس می باشد، و رفتارش به هیچوجه در خور يك محصل و دانشجو نیست، باید معلم شدیداً از این گونه اعمال نابخردانه او ممانعت به عمل آورد».

نتیجه آنکه استاد علاوه بر آنکه تواضع پیشه می کند، باید به حفظ حیثیات و شئون علم و دانش، اظهار حق پرداخته و با جلوگیری از تخلف و ایجاد انضباط، و ارتقای حس مسئولیت اخلاقی در شاگردان استانداردهای اخلاقی شاگردان را نیز باید توسعه دهد. بنابراین هم تربیت اخلاقی آنها را جامه عمل خواهند پوشاند و هم جلب اعتماد آنها در جهت ایفای موثر نقش تربیتی خویش موجب خواهد شد. موارد فوق الذکر شاخص های اخلاق محوری و تربیت اخلاقی در ارشادگری در نظر گرفته می شوند.

منابع

- شهید ثانی زین الدین علی بن احمد العاملي الجبعي، منیه المرید في آداب المفید والمستفید. اقتباسها. محمدباقر ساعدي خراساني (۱۳۷۱). تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه
- فرهادیان، ر. (۱۳۸۷). مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث. قم: بوستان کتاب قم.
- مصطفوی، ج. (۱۳۷۵). اصول کافی؛ ترجمه و شرح اصول کافی تالیف ابی جعفر محمد ابن یعقوب ابن اسحاق کلینی الرازی؛ تهران: ولی عصر.



حسن خلق رکن تعاملات تربیتی

توفیق در هر امر تربیتی نیازمند جذب متری در فرایند تربیتی است. حسن خلق از جمله ارکان لازم برای تحقق چنین امری است. تمام پیامبران و اولیاء الهی در سیره خویش و تربیت انسان ها حسن خلق داشته اند. رسول خدا (ص) فرمود: روز قیامت در ترازوی کسی چیزی بهتر از حسن خلق گذاشته نمی شود (اصول کافی ج: ۳ ص: ۱۵۶ روایه: ۲). در روایت دیگری رسول خدا (ص) در این زمینه فرموده اند: ای پسران عبدالمطلب: شما نتوانید با اموال خود به همه مردم گشایش دهید، پس با چهره باز و خوشروئی با آنها برخورد کنید (اصول کافی ج: ۳ ص: ۱۶۱ روایه: ۱). بنا به این روایت و روایات دیگری که از ایشان نقل شده است، آیت الله مظاهری (۱۳۷۰: ۱۴۷) بیان می کند که «شاید در بین فضایل انسانی فضیلتی به این بزرگی، خصوصاً برای معلّم، نداشته باشیم. آنچنانکه از قرآن استفاده می شود، در صفات خداوند، صفتی بالاتر و بهتر و نورانی تر از رافت نداریم، لذا در قرآن شریف صفتی که برای پروردگار آورده شده است و یکصد و چهارده مرتبه نیز تکرار گردیده است همین صفت است».

در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که: یکی از اصحاب به امام صادق (ع) عرض کرد: اندازه حسن خلق چیست؟ فرمود: اینکه فروتنی کنی و خوش سخن باشی و برادرت را با خوشروئی برخورد کنی (اصول کافی ج: ۳ ص: ۱۶۲ روایه: ۴). همچنین از ایشان نقل شده است: مؤمن بعد از انجام واجبات پیش خدای عزوجل عملی محبوبتر از این نیاورد که مردم را از لحاظ خلقتش در وسعت گذارد (اصول کافی ج: ۳ ص: ۱۵۷ روایه: ۴). ایشان در جای دیگری فرموده اند: چهار چیز در هر که باشد ایمانش کاملست، واگر سر تا پایش گناه باشد، نقصی باو نرساند، و آنها راستگوئی، امانت و حبا و حسن خلق است (اصول کافی ج: ۳ ص: ۱۵۷ روایه: ۳).

از مقوله های مرتبط با حسن خلق در تعالیم اسلامی شایستگی کلام، سعه صدر، رفق و مدارا و تسهیل و تیسر است. در آیه های ۸۳ سوره بقره و ۵۳ اسراء به ترتیب آمده است: و با مردم به نیکی سخن بگویید.^۱ و به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین وجه سخن بگویند.^۲ در تفسیر و قولوا للناس حسناً در آیه شریفه: «وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنتُمْ مُّعْرِضُونَ» از حضرت امام باقر (ع) نقل شده است که فرمود: با مردم با بهترین نوعی که دوست دارید با شما سخن گفته شود، سخن بگویید.^۳

در این زمینه حضرت علی (ع) نیز می فرماید: سه چیز به عنوان درهای نیکی به حساب می آید: ۱- سخاوت ۲- پاکیزگی و دلنشینی گفتار ۳- صبر در برابر اذیت و آزار.^۴ ایشان در جای دیگری می فرمایند: زبانت را به کلام نیکو عادت بده تا از ملامت ایمن باشی.^۵ سعه صدر نیز، در قرآن با لفظ «شرح صدر» آمده است مشتقات این واژه چندین مرتبه در قرآن آمده است و در تمامی آیه ها من جمله آیه ۱۲۵ سوره انعام، آیه ۱۰۶ سوره نحل، آیه ۲۵ سوره طه، آیه ۲۲ سوره زمر و آیه ۱ سوره انشراح همراه با واژه صدر است. مفسرین و مترجمین، «شرح صدر» را سعه صدر معنی می کنند.

در تفسیر مجمع البیان آمده است (فرهادیان، ۱۳۸۷): روایت صحیح داریم که وقتی آیه شریفه: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» نازل شد، از پیامبر (ص) در مورد معنای شرح صدر سؤال شد. حضرت پاسخ فرمود: نوری را خداوند در قلب مؤمن قرار می دهد که بر اثر آن، دارای دل و سینه ای فراخ می گردد. با تعمق در آیات قرآن، احادیث و در سیره نبوی و ائمه اطهار چند شاخصه مهم برای سعه صدر می توان شناسایی کرد. حلم و بردباری، تلاش و استقامت، آرامش و وقار، مصمم بودن، و همچنین چشم پوشی از مهمترین مولفه های سعه صدر عنوان شده است.

مدارا به معنای معنای نرمی و ملاطفت کردن در قرآن و سیره ائمه اطهار بسیار تأکید شده است. در تعلیم و تربیت هدایت متری به اهداف مورد نظر به زیبایی، نرمخویی، ملاطفت و تحمل آرای مخالف است. اولیای خدا تاکید دارند که آیین تربیت دینی آیینی متین و ملایم است و برای تربیت مردمان بر این آیین، باید این ویژگی جوهری حفظ شود و بر خلاف آن عمل نشود تا نتیجه تربیت همان شود که این آیین می طلبد. از امام باقر (ع) روایت شده است که رسول خدا (ص) فرمود:

(نقل از همان): همانا این دین و آیین محکم و متین است، پس با ملایمت در آن در آید و عبادت خدا را به بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید و گرنه مانند سوار درمانده ای شوید که نه مسافتی پیماید و نه مرکبی برایش بماند.^۶

۱ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا

۲ وَ قُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

۳ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تَحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ

۴ ثَلَاثٌ مِنْ أَبْوَابِ الْبِرِّ: سَخَاءُ النَّفْسِ، وَطِيبُ الْكَلَامِ، وَالصَّبْرُ عَلَى الْأَذَى

۵ عَوْدَ لِسَانِكَ حَسْنَ الْكَلَامِ تَأْمَنُ الْمَلَامَ

۶ ان هذا الدين متين فاوغلوا فيه برفق و لاتكرهوا عباده الله الى عباد الله فتكونوا كالراكب المنبت الذي لاسفرا قطع و لاطهرا ابقى

در کتاب «سیری در تعلیم و تربیت اسلامی» به عنوان بهترین راه و رسم تربیت یاد شده است در کتاب مذکور آمده است: «ملایمت و مدارا بهترین شیوه برای نرم کردن دلها، و همراه ساختن جانها در مسیر تربیت است». در همین کتاب از امام صادق (ع) روایت شده است که می فرماید: «هر که در امور خویش، ملایمت در پیش گیرد، به آنچه از مردم می خواهد می رسد»^۷؛ پس اگر استادی هدف آموزش و انتقال اثربخش تجارب و مهارتهای خود را داشته باشد، باید ملایمت داشته و آن را پیشه خود سازد.

در رابطه با تسهیل و تیسیر حضرت پیامبر (ص) توصیه ای مستقیم در زمینه رعایت این خصوصیت در روابط ارشادگرانه دارد. ایشان فرموده اند: نسبت به شاگرد و استاد خود نرم خو باشید.^۸

در حدیث دیگری می فرمایند: خداوند مرا بر شریعت و دین حنیف و آسان و ملایم مبعوث کرده است.^۹ همچنانکه می بینیم اسلام اساساً دینی مبتنی بر رفت، ملایمت، تساهل و اعتدال است و دینی است متعادل که بر فطرت آدمی استوار شده است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت، نحوه تربیت در اسلام نیز چنین شرایطی دارد. چنانچه پیامبر اکرم (ص) مظهر حسن خلق بود و بر این اساس بود که مردم را به سوی خدا هدایت می کرد.



منابع

- دلشاد تهرانی، م. (۱۳۹۳). سیری در تعلیم و تربیت اسلامی. تهران: دریا، چاپ هشتم.
- فرهادیان، ر. (۱۳۸۷). مبانی تعلیم و تربیت در قرآن و احادیث. قم: بوستان کتاب قم.
- مصطفوی، ج. (۱۳۷۵). اصول کافی؛ ترجمه و شرح اصول کافی تالیف ابی جعفر محمد ابن یعقوب ابن اسحاق کلینی الرازی؛ تهران: ولی عصر.
- مظاهری، ح. (۱۳۸۶). ویژگی های معلم خوب. قم: اخلاق.

۷ من کان رفیقاً فی امره نال ما یرید من الناس

۸ لینوا لمن تعلمون و لمن تتعلمون منه

۹ بعثنی بالحنیفه السهله السمه



نگاهی به مراحل تربیت کودک از منظر دین

■ گردآورنده: زهرا عباسی مصلح

گذری بر مراحل سه گانه تربیت فرزند

فرزند از ابتدای تولد تا ۲۱ سالگی، یعنی هنگامی که به لحاظ تربیتی از محیط خانواده دور می شود و از نظر رشد جسمی و اخلاقی - تربیتی به بلوغ نسبی می رسد، مراحل به هم پیوسته رشد و تربیت را پشت سر می گذارد. بر اساس تغییرات روحی، جسمی و عقلی که در انسان رخ می دهد، سه دوره تربیتی برای او نیاز است که پرورش وی نیز باید با شناخت ویژگی های هر دوره صورت پذیرد.

از دیدگاه دین، کودک تا هفت سال اول زندگی سید و سرور است و تعبیر رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هم از این مرحله تربیتی «سیادت کودک» است. هفت سال دوم، سن تعلیم پذیری، اطاعت و فرمان برداری است و هفت سال سوم، سن نظرخواهی و مشورت. تقسیم مراحل تربیت از نگاه روان شناسان با نظر پیامبر متفاوت است. معمولاً دوره های تربیت را شامل دوره کودکی اول، یعنی از تولد تا شش سالگی، دوره دوم کودکی را از ۶ تا ۱۲ سالگی و دوره نوجوانی را از ۱۲ تا ۱۸ سالگی می دانند.

پیام متن: (توجه به مراحل سه گانه تربیت فرزند، از تولد تا ۲۱ سالگی.)

دوره اول تربیت: از تولد تا هفت سالگی؛ دوران سیادت

این دوره که سن خوشی و بازی کودک است، از زمان تولد شروع می شود. فرزند در اوان کودکی هنوز دنیای خود را نمی شناسد و به طور کامل با آن در ارتباط نیست. او نمی تواند کارهای شخصی خود را انجام دهد و از این جهت به سن رفع نیازها هم تعبیر می شود. روان شناسان به دوره (تولد تا ۲ سالگی)، سن حسی - حرکتی می گویند. از دو سالگی جست و خیز کودک اوج می گیرد و تمایل او به بازی ها بیشتر می شود. او در این سن، از تمرکز طولانی در مسائل گریزان است و فوق العاده به دنبال تنوع طلبی و آزادی خواهی است. از دو تا سه سالگی، ارتباط کامل تری با محیط پیرامون خود پیدا می کند و کم کم قدرت تشخیص در او نمایان می شود، ولی همچنان از تصمیم گیری عاجز و به والدین متکی است.

اهمیت تربیت در سن سیادت، به این علت است که شخصیت فرد در ۵ سال اول زندگی شکل می گیرد. گزل روان شناس مشهور می گوید: «کودک در ۵ و ۶ سالگی، نسخه کوچکی از جوانی است که بعدها خواهد شد». به عقیده آلپورت روان شناسان معروف:

در حدود چهار ماهگی رشد و تقویت یادگیری کودک به حدی رسیده است که می تواند عادت سازشی و صفات اکتسابی داشته باشد. ارتباطش با محیط بیشتر می شود، تفاوت های کم و بیش تدریجی در الگوی شخصیت او پدید می آید و صفات تازه ای کسب می کند. هر چه سن کمتر باشد، اثر عوامل محیطی در ذهن پا برجاست و استوارتر است. ناگفته نماند، آزادی کودک در هفت سال اول زندگی به معنی رها کردن او، دادن اجازه انجام اعمال مخاطره آمیز یا خلاف ادب و بی تفاوتی نسبت به رفتارهای نادرست نسبت، بلکه یعنی نباید او را تحت فشار قرار داد یا کاری را که از توانش خارج است، به او سپرد. باید با ساماندهی اموری که می تواند انجام دهد، آزادی او را با کنترل منطقی همراه ساخت.

پیام متن: هفت سال اول زندگی، دوران شکل گیری شخصیت کودک است.

کودک و رفع نیازهای تغذیه ای

یکی از مهم ترین نیازها در سنین کودکی، دریافت تغذیه مناسب، سالم و پاک است. اسلام بر تهیه غذای حلال و سالم، به عنوان عامل زمینه ساز رشد و پرورش درست کودک، تاکید دارد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله می فرماید: «طلب رزق حلال بر هر مرد و زنی واجب است.» «و رزقی که از غل و غش پاک نباشد، خوشبختی نمی آورد.» ناتوانی کودک در به دست آوردن در اشعاری از مولوی بر تامین غذای حلال و سالم چنین تاکید شده است:

آن بود آورده از کسب حلال	لقمه ای کان نور افروز، کمال
عشق و رقت زاید از لقمه حلال	علم و حکمت زاید از لقمه حلال
بهل و غفلت زاید آن رادان حرام	چون ز لقمه تو حسد بینی و دام

افرادی که از مال حرام پرهیز نمی کنند و از راه های نامشروع تأمین معاش می کنند، نسلی نابهنجار و بی بند و بار به اجتماع تحویل می دهند که باعث وبال و ناراحتی برای خود و دیگران می شوند.

پیام متن: نیاز به تغذیه سالم و پاک، از اساسی ترین نیازهای کودک برای رسیدن به مراحل بالاتر رشد است.

بازی و کودکی

از دو سالگی به بعد حرکت های کودک کم کم بیشتر می شود و میل به بازی همراه با کنج کاوی در او شدت می گیرد. بازی به عنوان عاملی مهم جهت رشد کودک مطرح است. در حقیقت، بازی تفکر و زندگی اوست. امام صادق علیه السلام می فرماید: «طفل تا هفت سال باید بازی کند».

بچه ها از بازی لذت می برند و آن لحظه ها، فرصت خوبی برای اظهار احساسات، کنترل عواطف و تخلیه انرژی خود پیدا می کنند. بازی بر رشد عاطفی، اجتماعی و عقلانی کودک تأثیر فراوانی دارد.

هنگامی که کودک با برخی مشکلات در بازی روبه رو می شود و برای حل شدنش تلاش می کند، قدرت او برای رویارویی با مسائل گوناگون آینده افزایش می یابد. به اهمیت این مسئله می توان از بازی پیامبر اسلام با کودکان پی برد.

چون سروکار تو با کودک قناد
پس زبان کودکی باید گشاد



شرکت دادن کودکان در بازی های دسته جمعی، سبب می شود از انزوا بیرون آیند و روحیه همکاری و دوستی میان آنها تقویت شود. بیشتر تجربه هایی که در زمینه های مختلف در این دوره از عمر کسب می شود، از طریق بازی است. همچنین، کودک به وسیله بازی به آسان ترین شکل به شناخت جهان پیرامون خود می رسد. پس، بازی در زندگی بچه ها، نه تنها تفریح نیست بلکه می تواند جدی ترین کار آنها دانسته شود.

بهترین لحظات زندگی امام حسن و امام حسین علیهما السلام، زمان بازی ایشان با جد گرامی شان، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و پدر بزرگوارشان، حضرت علی علیه السلام در قالب ارتباطی صمیمانه شکل می گرفت. بارها حضرت پیامبر سجده نماز خود را طولانی می کرد تا حسنین علیهما السلام که کودکانی پر جست و خیز بودند و به زحمت بر پشت پیامبر سوار می شدند، از بازی سیر شوند.

در حدیثی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نقل است:

تَسْتَجِبُ عِرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَكِيمًا فِي كِبَرِهِ.

خوب است فرزند در سنین خردسالی بازیگوش باشد تا در سنین بزرگسالی بردبار و صبور باشد.

پیام متن: تأثیر عمیق بازی کودک، در رشد و تعالی شخصیت او.

تربیت کودک در بعد مذهبی

خانواده مناسب ترین بستر برای پیدایش رفتارهای مذهبی است. از آن جا که تربیت مذهبی کودک دارای سیر منطقی و منظمی است، به رعایت تناسب بین مفاهیم آموختنی به کودک و سن او، در اسلام توجه خاصی شده است. آنچه به کودک درباره آموزه های دینی ارائه می شود و او یاد می گیرد، فقط از طریق تکرار، تقلید و آشنایی است. مفاهیم مذهبی با بالاتر رفتن سن او کمتر می شود و تعقل و تفکر جای تقلید صرف را می گیرد. توصیه شده است در سه سالگی به کودک کلمه: «لا اله الا الله» را یاد دهید، در چهار سالگی «محمد رسول الله صلی الله علیه و آله» و در پنج سالگی روی او را به قبله متوجه کنید تا با مقدمات نماز آشنا شود.

البته اجبار کودک به یادگیری مفاهیم و اعمال مذهبی بسیار اشتباه است؛ چرا که با خوشی و سروری او در تعارض است و گاه منجر به سرخوردگی، لج بازی و بی رغبتی نسبت به مسائل مذهبی می شود، بلکه باید نسبت به این امر، کاملاً ظریفانه برخورد کرد.

در این سنین، کودک به نوع رفتارها و عملکرد والدین در موقعیت های گوناگون توجه ویژه دارد و به صورت غیرمستقیم آنها را می آموزد. بنابراین، واکنش افراد خانواده نسبت به مسائل مذهبی بر او تأثیر عمیقی می گذارد و زمینه گرایش یا طرد مذهبی در او فراهم می آید. انجام عبادت ها در حضور فرزند، او را تشنه هم رنگی با آنان می کند.

اگر والدین و بزرگ ترها در صورت علاقه مندی و همراهی کودک در این زمینه، پاداشی برای تشویق او در نظر بگیرند، کودک را برای تکرار عمل شایسته اش مشتاق تر می سازند. تشویق و تقویت رفتار مثبت کودکان، سبب شکل گیری عادت های ارزشمند در آنان می شود. زمانی باید کودک را تشویق کرد که رفتار پسندیده ای از او سر بزند که البته، می تواند به صورت کلامی، غیرکلامی، مادی و معنوی، مستقیم یا غیرمستقیم باشد. درباره روش مناسب یاددهی مفاهیمی چون خدا، قیامت و غیره این نکته مهم است که شناخت و ادراک کودک در این سنین، بیشتر حسی است و بنا به اقتضای سن و سالش، نمی تواند مسائل را به صورت عقلانی درک کند. از این رو، بهتر است او را با نشانه ها

و زیبایی های محسوس خلقت آشنا کرد و این گونه او را متوجه آفریننده ساخت. در مقابل باید از بیان شدت عذاب جهنم و مسائلی این چنین و ارائه چهره ای خشمگین و غضبناک از خداوند که در فاصله گرفتن کودک از خدا تأثیر دارد پرهیز کرد.

پیام متن:

از وظایف والدین، آشناسازی کودک با مفاهیم دینی، یاددهی انجام عبادات، به همراه تشویق بیان محبت و الطاف خدا به شیوه ای ساده و ایجاد احساس خوشایند در او نسبت به خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام است.

دوره دوم تربیت: از ۷ تا ۱۴ سالگی؛ دوران تأدیب و آموزش



در این دوره تغییرات محسوسی در تن و روان کودک پدید می آید. جسم او نسبتاً قوی تر، ذهنش رشد یافته تر و فهمش بیشتر می شود. رابطه اجتماعی وی با مادر کمتر می شود و شور و علاقه خاصی برای ارتباط با دیگر کودکان نشان می دهد، تا جایی که پس از پذیرش از سوی هم سالان و افراد گروه به آرامش می رسد.

کودکان در این سن و سال تا حدودی خوبی ها و بدی ها را درک می کنند، ولی از آن جا که هنوز به رشد کافی عقلانی برای تشخیص مصلحت خود نرسیده اند، نیازمند آگاهی و تربیت مستقیم هستند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هفت سال دوم را سن پیروی و فرمان برداری می داند و امام جعفر صادق علیه السلام سفارش می کند: «فرزند خود را در هفت سال دوم با آداب و روش های مفید و لازم تربیت کنید».

در این دوران نباید به کودک آزادی کامل داد و از اشتباهات و خلاف هایش چشم پوشید، شایسته است او را از بی ادبی های احتمالی نیز باز داشت، به نظم و انضباط عادت داد، با برنامه ریزی درست او را از بی توجهی به لحظه ها و بیهوده گذرانی دور کرد. به یقین، اگر کودک دوران سیادت را به طور طبیعی و در محیطی مناسب و اطمینان بخش سپری کرده باشد، در دوران تأدیب دارای نوعی تعادل روانی خواهد بود و برای اطاعت پذیری و حرف شنوی از والدین مقاومت به خرج نمی دهد.

پیام متن: هفت سال دوم زندگی فرزند، دوران فراگیری تربیت است که هر چه بهتر هفت سال اول را طی کرده باشد، در این دوره موفق تر است.

تعلیم و آموزش نوباوگان

از آن جا که رشد مغز کودک در هفت سال دوم بیشتر شده و آمادگی لازم برای یادگیری را پیدا کرده است، مهم ترین وظیفه والدین و مربیان [در این سال ها]، آموزش و تعلیم ذکر شده است. یادگیری در سنین کودکی عمیق تر و ریشه دارتر است؛ چرا که ذهن کودک آسوده و بی مشغله از مسائل زندگی است و قدرت گیرندگی او قوی تر است.

آموزش رسمی از شش سالگی شروع می شود و یادگیری او به تدریج همراه با تعلیمات مدرسه ای، از محیط و مسائل و افراد گوناگون پیرامونش ادامه می یابد.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آموزش مسائل دینی می فرماید:

وقتی فرزند شما به شش سالگی رسید، رکوع و سجود را به او یاد دهید. در هفت سالگی برای وضو ساختن آماده اش کنید و به نماز خواندن ترغیبش کنید. بدانید که با یاد دادن نام خدا به کودک، عذاب الهی از معلم و پدر و مادر برداشته می شود.

نکته بعدی، توجه به آموزش و پرورش کودکان در زمینه های هنری، ورزشی و مهارت های اجتماعی است. صرفاً نباید به آموزش های نظری بسنده کرد، بلکه لازم است با پرورش صحیح کودکان، به کشف استعدادها و پنهان جسمی و ذهنی شان پرداخت. در آموزه های دینی آمده است که به فرزندان خود اسب سواری، شنا و تیراندازی آموزش دهید. حضرت علی علیه السلام با تأکید بر آشنا سازی کودکان با آداب و روش های مفیدی که در زندگی به کار می آید، یادآور می شود که فرزندان شما برای دوره ای غیر از زمان شما باید آماده و مہیای فعالیت شوند. لازمه زندگی اجتماعی سالم و پربار، شخصیتی پرورش یافته با آمادگی روانی، برخوردار از مهارت های اجتماعی و با اعتماد به نفس بالاست که در صورت توجه دقیق به تمام ابعاد شخصیت کودک می توان به چنین هدفی دست یافت. زمانی که نیازهای زیستی و عاطفی کودک به طور کامل تأمین شود، زمینه کنج کاوی و فعالیت های ذهنی و عملی بیشتر، برای او فراهم می آید.

اهمیت دادن به پرسش های جست و جوگرانه کودکان و پرورش قدرت تخیل آنان، امری بسیار ضروری در جهت رشد ذهنی و پایه ریزی متعادل شخصیت آنان است. بیان پاسخ های ساده و روشن به ابهامات ذهنی کودکان، قصه گویی یا خواندن داستان های ساده و آموزنده یا مشارکت دادن آنها به حل مسائل خانواده، از جمله روش هایی است که در پرورش ذهنی کودک مؤثر است.

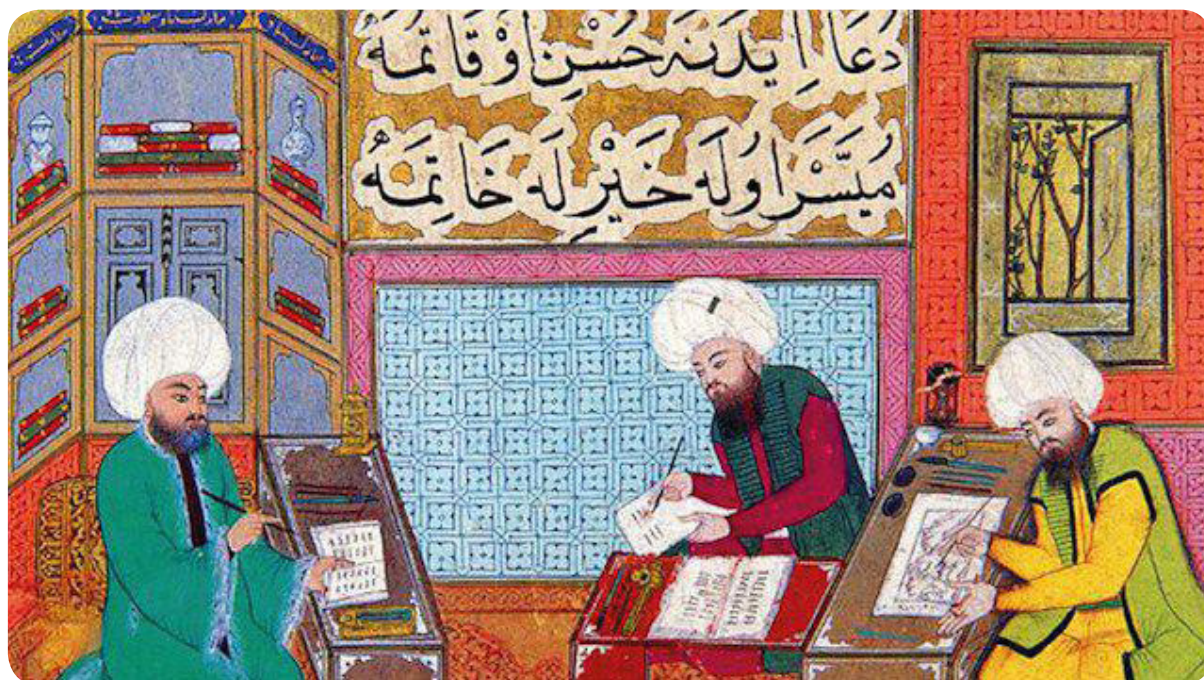
پیام متن: توجه به آموزش کودک در زمینه های هنری، ورزشی و مهارت های اجتماعی.

توصیه های عملی به منظور تقویت ایمان مذهبی در کودکان

- ۱- برای تثبیت ایمان در دل فرزندان بینش های او را درباره خدا صحیح و عمیق کنید. و به پرسش های او در مورد خداوند جواب های درست و در حد فهم او بدهید.
- ۲- برای تقویت ایمان فرزند به خدا و پذیرش توانایی های خودش، جمله های مثبت را بر روی کاغذی بنویسید و بر در و دیوار و محل دید او قرار دهید، برای مثال:
 - برای سلامتی، توانگری، زیبایی و قدرتم از خداوند سپاس گزارم.
 - خدا همه جا با من است و همه چیز نیکوست.
 - قدرت و بزرگی خدا برتر و پایدارتر از دیگران است.
 - من با ایمان به خدا، در کارهایم موفق می شوم.
- ۳- مفهوم مرگ را برای او به صورت مثبت بیان کنید. به او بگویید مرگ یک میهمانی بزرگ و با شکوه نزد خداست. بدین وسیله، آگاهی و شناخت او را از مرگ بالا می برید و ترس از این مسئله را در او کاهش می دهید.
- ۴- به او یاد دهید با خدا درد دل کند، صحبت کند، تشکر کند و کمک بخواهد، به ویژه در مواقع حساس مثل: امتحان دادن.
۵. برای تقویت ایمان دینی، محبت به ائمه اطهار علیهم السلام را در سرلوحه برنامه های تربیتی کودک خویش قرار دهید؛ چرا که محبت به آنان، انسان را به ارادت و هم رنگی با آنچه خدا می خواهد، توفیق می دهد. بدین منظور، بیان داستان های دوران کودکی امامان معصوم علیهم السلام بسیار سودمند است.
- ۵- با بالا بردن قدرت ایمان در فرزندان، او را در برابر تحمل مشکلات مقاوم تر و برای پذیرش مسئولیت های بزرگ تر آماده سازید.

منبع: طوبی





آداب و وظایف معلمان و شاگردان در بیانات شیخ زین الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی، معروف به شهید ثانی، از بزرگان فقه

آداب و وظایف شاگرد	آداب و وظایف معلم	آداب و وظائف مشترک
<p>تصفیه و پالایش دل از آلودگی ها</p> <p>رعایت مدارج علوم و دانشها از لحاظ اهمیت</p> <p>گسیختن علائق و عوائق مادی از خویشتن</p> <p>بر حذر بودن از معاشرت نادرست</p> <p>مداومت بر تحرك و كوشش علمی</p> <p>علو همت و كوشش در پویائی از مقام والای علمی</p> <p>فرصت های زندگانی را باید غنیمت شمرد</p> <p>تصفیه و پالایش دل از آلودگی ها</p> <p>رعایت مدارج علوم و دانشها از لحاظ اهمیت</p>	<p>احراز صلاحیت و شایستگی</p> <p>حفظ حیثیات و شئون علم و دانش</p> <p>دریغ نوزیدن از تعلیم علم</p> <p>بذل و اعطاء و انفاق علم</p> <p>احتراز از مواضع تهمت</p> <p>شهامت در اظهار حق ، و جلوگیری از تخلف</p>	<p>اخلاص و پاکسازی نیت</p> <p>عمل به علم</p> <p>توجه و توکل به خدا</p> <p>عفت نفس و علو همت</p> <p>تلاش به تکمیل نفس</p> <p>قیام به وظائف دینی و اخلاق</p> <p>حسن خلق و فروتنی</p> <p>جهت یابی صحیح</p>
<p>كاوش از استاد و معلم لایق و شایسته</p> <p>تلقى معلم به عنوان پدر واقعی و روحانی</p> <p>احترام در حرکت و راه رفتن در معیت استاد</p> <p>ارج نهادن به استاد و تجلیل از مقام علم و دانش</p> <p>تواضع و فروتنی در برابر استاد</p> <p>لزوم ترجیح رای و نظریه استاد</p> <p>باید از استاد به احترام یاد کرد</p> <p>حق شناسی از استاد و الگو پذیری او</p> <p>سپاسگزاری از ارشاد و هشدارهای استاد</p> <p>تحمل جور و تندروپهای استاد</p>	<p>ایجاد خلوص نیت در شاگردان</p> <p>اعلام امکان وصول به مقام والای علمی در سایه ایهان</p> <p>ایجاد شوق و دل بستگی به علم و دانش</p> <p>مواسات و دلسوزی</p> <p>استفاده از روشهای تنبیه برای منع از تخلف</p> <p>فروتنی و نرمش</p> <p>تفقد از احوال دانشجویان</p> <p>اطلاع از نام و مشخصات شاگرد</p> <p>القاء مطالب علمی در خور استعداد شاگردان</p> <p>تفهمی ترتب و تسلسل منطقی</p>	<p>نسبت به خود</p>

<p>منتظر ماندن برای استاد و شرفیابی به محضر او رعایت ادب و نزاکت در ورود به مجلس خصوصی استاد آراستن برون، و آمادگی درون به هنگام ورود آمادگی روحی و ذهنی شاگرد برای درس عدم ایجاد مزاحمت برای اشتغالات استاد عدم ممانعت از استراحت استاد عدم تحمیل وقت تدریس بر استاد تنظیم کیفیت و جهت جلوس در محضر استاد مراقبت از حرکات و رفتار و حالات خود در محضر استاد تنظیم صدا و مواظبت از رفتار و گفتار در پیشگاه استاد رعایت لطف بیان هنگام گفتگوی با استاد جبران نواقص سخن استاد با اشارات لطیف</p>	<p>کوشش در تقریب مطالب به شرایط شاگردان ذکر ضوابط و قواعد کلی علوم ضمن تدریس آنها تحریر بر تکرار دروس و آزمایش هوش و استعداد آنها طرح مسائل دقیق و پرسش کردن احترام به شخصیت شاگرد و اعتراف به اهمیت افکار او رعایت مساوات در التفات و محبت رعایت نوبت شاگردان زیاد در شروع به تدریس رعایت امتیاز استعداد و تفاوت‌های شاگردان عدم تقبیح علمی که معلم در آن تخصص ندارد ارشاد شاگردان به معلمان شایسته آماده ساختن و معرفی معلمان لایق برای جامعه ایجاد خلوص نیت در شاگردان</p>	<p>در رابطه با دیگری</p>
--	---	--------------------------

<p>آداب و وظایف شاگرد</p>	<p>آداب و وظایف معلم</p>
<p>رعایت ادب و نزاکت در خطاب به استاد نادیده گرفتن سبق لسان و لغزش زبان استاد پیشدستی نکردن در پاسخ به استاد تمرکز حواس و استماع دقیق به استاد ارج نهادن به توضیحات استاد عدم تکرار سؤال‌های فرساینده و تلف کننده فرصت سؤال به موقع دلنشین بودن سؤال عدم شرم و حیاء در پرسش علمی شهامت در اعتراف به عدم درک مطلب علمی ایجاد آمادگی برای سرعت انتقال رعایت نزاکت و ادب در اخذ و عطاء رعایت نکات ظریف در ارج نهادن به مقام استاد حفظ حریم استاد بهنگام جلوس و اقامه نماز کوشش‌های بی دریغ شاگرد نسبت به استاد بی بند و بار نبودن تلقی معلم به عنوان پزشک معالج جان و روان</p>	<p>اعلام امکان وصول به مقام والای علمی در سایه ایمان ایجاد شوق و دل‌بستگی به علم و دانش مواسات و دلسوزی استفاده از روش‌های تنبیه برای منع از تخلف فروتنی و نرمش تفقد از احوال دانشجویان اطلاع از نام و مشخصات شاگرد القاء مطالب علمی در خور استعداد شاگردان تفهیم ترتب و تسلسل منطقی کوشش در تقریب مطالب به شرایط شاگردان ذکر ضوابط و قواعد کلی علوم ضمن تدریس آنها تحریر بر تکرار دروس و آزمایش هوش و استعداد آنها طرح مسائل دقیق و پرسش کردن احترام به شخصیت شاگرد و اعتراف به اهمیت افکار او رعایت مساوات در التفات و محبت رعایت نوبت شاگردان زیاد در شروع به تدریس رعایت امتیاز استعداد و تفاوت‌های شاگردان عدم تقبیح علمی که معلم در آن تخصص ندارد ارشاد شاگردان به معلمان شایسته آماده ساختن و معرفی معلمان لایق برای جامعه</p>



تربیت دینی در خانواده

گردآورنده: سلیم کاظمی

اقربا بسبرک

بر اساس آیات و روایات اسلامی، سرپرست خانواده، اعم از پدر و مادر و یا افراد دیگر، نسبت به تربیت دینی فرزندان و دیگر زیر دستان خود، مسئولیت سنگینی دارد؛ به همین دلیل، خدای متعال در این زمینه، خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان

آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌ها است، نگهدارید.» نگره داری خویشتن از طریق ترک معاصی و تسلیم نشدن در برابر شهوات سرکش میسر است، نگره داری خانواده نیز به وسیله تعلیم و تربیت درست و فراهم ساختن محیط پاک و به دور از هرگونه آلودگی فکری و عملی حاصل می‌شود.

همچنین در پرورش فضایل اخلاقی یک نسل، خانواده از جایگاه والایی برخوردار است. اگر بنا باشد مردم به حال خود رها شوند و هر کس به دنبال خواسته‌ها و هوس‌های خود برود، اجتماع به صورت ناموزون و ناهماهنگ درمی‌آید و هرج و مرج و بی‌بند و باری بر آن، حاکم خواهد شد؛ چون اجتماع، وابسته به خانواده و تربیت خانواده است. از آن جا که اصلاح جامعه، به اصلاح فرد وابسته است، تا فرد، اصلاح نشود، جامعه هم اصلاح نمی‌شود و در این اصلاح، نقش خانواده و زن، اهمیت بسزایی دارد. به طور کلی، اجتماع، همان خصوصیات را به خود می‌گیرد که افراد آن دارند و وقتی محیط، سالم می‌شود که افراد آن جامعه، مردمانی پرهیزگار باشند و پیوسته در راه اصلاح قدم بردارند. این حرکت تربیتی و اخلاقی در جامعه، نشانگر وجود زنان و مادرانی است که مردانی باایمان و باتقوا را در خانواده و در دامان پر مهر خود پرورش می‌دهند.

زن و شوهر در روابط عاطفی با یک دیگر باید این بیان گهربار امام رضا علیه السلام را در نظر گیرند که: اگر مؤمنی خشمگین شود، عصبانیت، وی را از طریق حق بیرون نمی‌برد و اگر شادمانی یابد، این خرسندی، وی را دچار باطل نمی‌کند و چون به اقتداری می‌رسد، بیش از آنچه حق دارد، نمی‌گیرد. (فضل الله، ۱۳۸۹: ص ۲۳۶)

امام رضا علیه السلام در سیره عملی خویش در راستای تقویت عواطف و تکریم شخصیت حاضران در خانه و در جمع معاشران این گونه بود. ابراهیم بن عباس می‌گوید: هرگز شخصیتی برتر از امام رضا علیه السلام ندیدم. هرگز پایی خویش را مقابل همنشین خویش، دراز نمی‌کرد و پیش از او تکیه نمی‌داد. به خدمتگزاران دشنام نمی‌گفت، صدایش به خنده بلند نمی‌شد و همواره با غلامان و زیردستان خود، کنار سفره غذا می‌نشست. (اربلی، ۱۴۲۱.ق: ج ۲، ص ۲۴۷)

راهکارهای اعتلای نقش خانواده در تربیت دینی فرزندان :

۱. انتخاب همسر مناسب و معتقد به اسلام ناب محمدی (ص) .
۲. تغذیه و رشد فرزند از شیر و اغذیه ی حلال و با وضو بودن مادر و رفع نیازهای جسمانی و روانی فرزندان .
۳. اعتدال در آموزش و تشویق به نماز و دیگر عبادات .
۴. داشتن منش و دانش تربیتی در مسایل دینی توسط والدین و انتقال آن به فرزندان .
۵. صبوری اولیا در آموزش نماز و اعمال دینی به فرزندان .
۶. پرهیز از روش قهرآمیز، اجبار و الزام در انجام فرائض دینی .
۷. تشویق و ترغیب فرزندان به کنجکاوی و جمع آوری اطلاعات و مطالب راجع به دستورات و مفاهیم دینی در کتب مختلف .

تهیه کتب و نشریات مناسب که در راستای تقویت گرایش دینی فرزندان باشد و در اختیار خانواده قرار گیرد (مطهری، ۱۳۸۷).

روش های تربیتی در اسلام

۱. روش محبت
۲. روش الگویی
۳. روش معرفتی (آموزش یادگیری)
۴. روش شرطی
۶. روش تلقین
۷. روش اقتدار
۸. روش تکرار و مداومت (مطهری، ۱۳۸۷)



-اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، قم، انتشارات الشّریف الرّضی، ۱۴۲۱ق.
-فضل الله، محمد جواد، تحلیلی از زندگی امام رضا علیه السلام، ترجمه سید محمد صادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۸۹ش.
-مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۷ش

نگاهی به اصول تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید مطهری

■ گردآورنده: مرتضی جاوید پور

موضوع تعلیم و تربیت، از ضروری ترین و پیچیده ترین مسائلی است که ذهن اندیشمندان را در طول تاریخ بشری به خود معطوف کرده است. تربیت که همان پرورش استعدادهای نهفته انسانی و به تعبیر دیگر، به فعلیت رساندن هماهنگ تمام استعدادهای بشری است، مورد توجه دین مبین اسلام و اولیای آن بوده است و بلکه اصلی ترین هدف آن ها می باشد. در نظام تربیتی، پس از مبانی و اهداف تربیت، اصول تربیت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. مبانی، به عنوان پی و ریشه تربیت و اهداف، به عنوان چشم انداز وضعیت مطلوب جلوه گری می کنند. حلقه واسط بین آن دو، اصول تربیت است که به منزله



ایدئولوژی تربیت، نقش اساسی دارد. تمام روشهای تربیتی در اسلام در حقیقت حاکی از پیوند انسان و رب است و همه فرع و شعبه های تربیت از این پیوند و کیفیت آن منشاء می گیرد. دین به نگرش فلسفی فرد به تعلیم و تربیت و به دنبال آن اهداف تربیتی جهت می دهد و فرهنگ دینی حاکم بر انسان در همه شؤون زندگی او ریشه می دواند. تربیت دینی نشان

دهنده راه و روشی است که در انتها به هدف زندگی منجر می شود. تعلیم و تربیت از دیرباز و طی قرون و اعصار همواره مورد توجه عالمان، اندیشمندان و فیلسوفان بوده و بدین سان توانسته است افکار و اندیشه های بزرگ را به سوی خویش فراخواند.

در واقع، اصول تربیت، دستورالعمل های کلی هستند که حاکم بر همه روشهای تربیتی می شوند و از آنها گریزی نیست. اگر در امر تربیت، مبنایی تغییر کند، بالتبع، اصول مبتنی بر آن نیز تغییر می کند؛ اما از آن جا که مبانی دین اسلام ثابت و غیرمتغیر هستند، اصول تربیتی اسلام نیز ثابت خواهند بود. این اصول، ناظر به چگونگی تحقق تربیت و راهنمای عملی تدابیر تربیتی هستند.

متفکر شهید، علامه مطهری به عنوان اندیشمندی اسلامی در خصوص اصول تعلیم و تربیت اسلامی، مسائلی رامطرح کرده است که بررسی و ارائه آنها می تواند فضای فکری مشخصی را در تربیت اسلامی به وجود آورد و به کاوشگران عرصه تعلیم و تربیت یاری رساند.

۱- اصل هماهنگی با فطرت

۲- اصل اعتدال

۳- اصل جامعیت

۴- اصل تأمین نیازهای واقعی

۵- اصل تأکید به تربیت دوره کودکی

۶- اصل توازن امور ثابت و امور متغیر

۷- اصل هدایت خواهی

۸- اصل حکمت جویی

۹- اصل بهره گیری از اراده

۱۰- اصل تلازم و تناسب علم و عقل

۱۱- اصل انسانیت دوستی

۱۲- اصل جذب و دفع

۱۳- اصل پیوند تربیت با معنویت

منابع

- سنچولی، زینب، اصول تعلیم و تربیت در نظام تربیتی اسلام. ۱۳۹۵
- مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۴.
- مطهری، مرتضی. پانزده گفتار. تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۰.

مبانی و اصول تربیتی در اسلام

■ گردآورنده: زهراحسن زاده

■ نوشته: عباس کوثری

مقدمه

در فرهنگ قرآن و معارف اصیل اسلامی، تعلیم و تربیت از منزلت و جایگاهی رفیع برخوردار است. گذشته ای به قدمت تکوین و آفرینش انسان دارد و از همه شکوهمندتر آنکه خالق یکتای هستی تعلیم و تربیت انسان را عهده دار شده است. و در قرآن کریم از خود به این صفت یاد کرده است آنان که می فرماید:

و علم آدم الاسماء کلها» [۱] «واتقوا الله و یعلمکم الله» [۲] «الرحمن علّم القرآن» [۳] «الذی علّم بالقلم» [۴] «علّمناه من لدنا علما» [۵]

اصولاً یکی از جهات اعجاز قرآن جنبه های علمی آن است که علامه طباطبائی «ره» از آن به عنوان «تحدی قرآن به علم» نام می برد [۶] و از طرف دیگر مواردی که در آیات الهی از خداوند با کلمات - «رب»، «ربنا»، [۷] «ربکم»، [۸] «ربک»، [۹] «ربه»، [۱۰] «ربها»، [۱۱] «ربهم»، [۱۲] «ربی»، [۱۳] «ربهما»، [۱۴] «ربکما»، [۱۵] نام برده است بیانگر ربوبیت ذات مقدس احدیت می باشد بویژه کلمه «ربکما» که با قرار گرفتن در ترکیب زیبای «فبای الاربکما تکذبان» (آنهم پس از بیان سمتی از نعمتها) جلوه دیگر از جمال ربوبی را در دل و فکر متجلی می سازد.

راغب می نویسد: الربّ فی الاصل التّربیة و هو انشاء الشئی حالاً فحالا الی حدّ التمام ... الرباب السحاب سمی بذالک لانه یربّ البنات: اصل ربّ تربیت است و آن عبارت از ایجاد شئی است تا به تدریج او را به مقصد کمال و تمام رهنمون سازد» و به ابرها «رباب» می گویند زیرا موجب باروری گیاهان می گردد [۱۶] و در مقابل اگرچه عده ای گفته اند ربّ از ریشه «ربب» است برخلاف تربیت که از ریشه «ربو» گرفته شده است و لکن آنها نیز معتقدند که در واژه «رب» تربیت اشراب شده است.

با توجه به همین جایگاه تعلیم و تربیت است که هدف از بعثت پیامبران تعلیم کتاب و حکمت و پرورش و تصفیه روح از ناخالصی ها معرفی شده است [۱۷] و در کلمات رسول خاتم «ص» آمده است: «بالتعلیم أرسلت» [۱۸] «بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» [۱۹] که این خود بیانگر اینستکه اسلام در زمینه تعلیم و تربیت دارای مکتبی است مستقل با مبانی و اصولی مشخص و الهی، که با استفاده از آن نیازی به طلب کردن گوهر ماوراء صدف کون و مکان از گمشدگان لب دریا نخواهد بود چرا که خورشید وحی همچنان جاودانه می درخشد.

قدسیان را نرسد تا که به ما فخر کنند قصه علم الاسماء بزبان است هنوز [۲۰]

خواهد شد» [۲۵] با توجه به این جهت میتوان گفت مفهوم تعلیم و تربیت عبارت است از سیر دادن و رهنمون ساختن نفس از مرحله عقل بالقوه به سمت مجرد تام شدن» و یا به عبارت دیگر از آنجا که انسانها دارای فطرتی اصیل و خدائی هستند چنانکه قرآن می فرماید: «فاقم وجهک للدين حنيفاً فطرة الله التي فطر الناس علیها» [۲۶] و در حدیث آمده است «کل مولود یولد علی الفطرة» [۲۷] و کار انبیاء این مربیان بزرگ بشریت برگرداندن انسانها به فطرت خویش بوده است «لیستادوهم میثاق فطرته» [۲۸]

می توان گفت مفهوم تعلیم و تربیت عبارت از شکوفا نمودن فطرت و یا جلوگیری از آن می باشد. در این زمینه امام خمینی می فرماید: «انسان از اول اینطور نیست که فاسد به دنیا آمده باشد از اول با فطرت خوب به دنیا آمده، با فطرت صراط مستقیم، فطرت اسلام، فطرت توحید است، این تربیتهاست که یا همین فطرت را شکوفا می کند و یا جلوی شکوفائی فطرت را می گیرند» [۲۹] اگرچه برای مفهوم تعلیم و تربیت تعاریفی دیگر شده است چنانکه یکی از محققین می نویسند: «مفهوم تعلیم و تربیت در گذشته انتقال معلومات و مهارتها بود روی همین زمینه روش عمده تدریس، سخنرانی - یا مطالعه کتب درسی بود اما اگر تعلیم و تربیت را چنانچه «جان دیوئی» معتقد است تجدیدنظر در تجربیات و تشکیل مجدد آنها بدانیم یا آن را عبارت از رشد قوه قضاوت صحیح یا هدایت رشد فرد تلقی کنیم روش کار ما با آنچه در گذشته معمول بود کاملاً فرق خواهد داشت» [۳۰] اما با توجه به مبانی قرآنی و فلسفی اسلام آن دو تعریف قبل را ترجیح می دهیم

☆ اصول و مبانی تعلیم و تربیت

الف - اصل خدامحوری یا اخلاص

نیت مشخصه شعاع دید و برد عملی انسان است. اعمال از نیت رنگ می گیرد، و در همان محدوده اثر آفرین. در حدیث آمده است لکل امریء مانوی فمن کانت هجرته

نوشتاری که در پیش روی دارید نظری است به اصول و مبانی تعلیم و تربیت و از آنجا که پیامبر و جانشینان گرامش نمونه اعلی و تجسم قرآن هستند و خود تربیت شده وحی و دستورات الهی می باشند و مصداق: «ادبئی ربی و احسن تأدیبی» [۲۱] و خود نیز در صحنه تعلیم و تربیت از موفق ترین مربیان بزرگ بوده اند در مقاله حاضر توجه ویژه به سنت و سیره آنها خواهیم داشت و سپس آن را در گفتار و سیره عملی تربیت شده مکتب اهل بیت، فرزانه دوران، امام خمینی به نظاره می نشینیم.

با اعتراف به اینکه بضاعتی است مزجاء و نوشتاری است ناتمام.

بشکنم این قلم و پاره کنم این دفتر نتوان شرح کنم جلوه والای تو را [۲۲] قبل از ورود در بحث لازم است توضیحی درباره مفهوم تعلیم و تربیت ارائه دهیم.

☆ مفهوم تعلیم و تربیت

در فلسفه، ادله فراوانی برای تجرد نفس ذکر کرده اند از آن جمله اینکه در ماده قابلیت انطباق کبیر بر صغیر نیست و حال اینکه می بینیم در ذهن و نفس انسان صور کبیره آسمان - خورشید - ستاره - دریاها منطبع می گردد. حال که چنین است، حامل این صور نمی تواند ماده باشد. زیرا ماده ذهن با این کوچکی گنجایش این صور را ندارد پس معلوم است نفس یا ذهن که حامل اینها هستند مجرد هستند. [۲۳] فعلاً این مقال درصدد توضیح و اشاره به تمامی ادله آن نیست. از طرف دیگر همانگونه که در اسفار [۲۴] آمده است این موجود مجرد با حرکت جوهری خویش همواره به سمت کمال حرکت می کند. ابتداء در مرحله عقل بالقوه و با سیر صعودی خویش به سمت عقل فعال شدن، سیر می کند امام خمینی می فرمایند: «به حسب براهینی که در فلسفه ثابت است ماوراء این طبیعت در انسان هست و انسان دارای یک عقل بالامکان مجرد و بعد هم مجرد تام

علاج کل العلاج، در این است که انسان که می خواهد علمش الهی باشد وارد هر علمی که شد مجاهده کند و با هر ریاضت و جدیتی شده قصد خود را تخلیص کند. سرمایه نجات و سرچشمه فیوضات تخلیص نیت و نیت خالص است من اخلص لله اربعین صباحاً جرت ینابیع الحکمة من قلبه علی لسانه. [۳۸] در ضمیر ما نمی گنجد به غیر دوست کس هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس [۳۹]

ب - تقدم اصلاح خود بر اصلاح دیگران

اسوه ها و الگوها همواره نقشی اساسی در تحول انسانها داشته اند و این امری است که ریشه در سرشت انسانها دارد و بدین جهت است که انسان همواره برای خود اسطوره ها و قهرمانانی را ترسیم کرده و صفات و رفتار آنها را سرمشق و الگوی خویش قرار می داده است امروزه در روانشناسی اصلی را به عنوان «محاکات» «مشابه شدن» مطرح می کنند که برخاسته از همین حالت روحی و نفسانی انسان می باشد. شهید مطهری می نویسد «مسئله ارادت و شیفتگی به یک شخص معین، بالاترین و بزرگترین عامل است در تغییر دادن انسان و این اگر بجا بیفتد فوق العاده انسان را خوب می کند و اگر نابجا بیفتد آتشی است که دامن را آتش می زند» [۴۰] در این راستاست که پیامبران این مرئیان بزرگ الهی از میان انسانها انتخاب می شدند تا نقش الگوئی و اسوه آنان مؤثرتر باشد قرآن کریم درباره پیامبر اسلام میفرماید «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة» [۴۱] مرئی و معلم نیز همین نقش را دارد. از این نظر هر چه در صفات نیک وارسته تر و مهذب تر باشد تحوّل عمیق تری را در روح شاگرد ایجاد خواهد کرد، بدین جهت در قرآن و روایات عنایتی وافر بدین امر شده است. خداوند متعال در سوره صف می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لم تقولون مالا تفعلون و کبر مقتاً عندالله ان تقولوا مالا تفعلون» [۴۲] و در حدیث نبوی (ص) آمده است «یا اباذر مثل الذی یدعوا بغير عمل کمثل الذی

الی الله و رسوله فهجرته الی الله و رسوله و من کانت هجرته الی دنیا یصیبها او امرأة یتزوجها فهجرته الی ما هاجر الیه» [۳۱] علم و تربیت برای کسب مقامات دنیوی نتیجه جز حرکت در همین محدوده و جمع همّت و عزم برای رسیدن به آن نخواهد داشت. امام خمینی (ره) می فرمایند: «کسی که دارای حبّ جاه و ریاست است و این حبّ ملکه نفسانیّه و شاکله روح او شده است، غایت آمال او رسیدن به آن مطلوب است و افعال صادره از او تابع آن غایت است و داعی و محرک او همان مطلوب نفسانی است و اعمال او برای وصول به آن مطلوب از او صادر می گردد ... کسی که حبّ نفس و خودخواهی، ملکه و شاکله نفس اوست، غایت مقصد و نهایت مطلوب او رسیدن به ملایمات نفسانیّه است و محرک و داعی او در اعمال همین غایت است» [۳۲] با این نگاه و جایگاه است که در آیات و روایات همراه علم، نیت صادق و الهی مورد توجهی ویژه و عنایتی تام قرار گرفته است. آغاز وحی الهی بر پیامبر خاتم (ص) با قرائت و خواندن آغاز می گردد و در همان حال آن را با اسم ربّ و ربوبیت مطلقه مهور و مرتبط می سازد و می فرماید «اقراً باسم ربک» [۳۳] قرآن کریم محور تعلیم و تربیت انبیاء را، اخلاص و توجه تام آنها به ربّ العالمین معرفی می کند و در سوره شعراء از قول حضرت نوح - هود - صالح - لوط - شعیب (علیهم السلام) جمله «و ما استلکم علیه من اجر ان اجری الا علی ربّ العالمین» [۳۴] را بیان می دارد و به پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) دستور می دهد: «قل لا استلکم علیه اجران هو الا ذکرى للعالمین» [۳۵] و در حدیثی از امام صادق علیه السلام می خوانیم «من تعلّم لله عزوجلّ و عمل لله و علم لله دعی فی ملکوت السموات عظیماً» [۳۶] و امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: خذوا من العلم ما بدالکم و ایاکم ان تطلبوه لخصال اربع: لتباهوا به العلماء، اوتماروا به السفهاء، اوتراء وابه فی المجالس، او تصرفوا وجوه الناس الیکم للترؤس [۳۷] در همین رابطه امام خمینی (ره) می فرمایند: «ای عزیز،

چنانکه در آیه «وانتم الاعلون ان کنتم مؤمنین» [۴۸] با توجه دادن به ایمان قلبی مؤمنین، آنان را از غنای روحی در مقابل دشمنان برخوردار می‌سازد و بر پایه همین مبنا است که رهبر و معلم بزرگ مسلمانان از مدینه شهر کوچک آن روز به تمامی سران قدرتهای بزرگ ایران و روم و غیره نامه می‌نویسد و آنها را با عنوان من محمد رسول الله الی ... دعوت به اسلام می‌کند [۴۹] و اصولاً می‌توان یکی از فلسفه‌های انتظار فرج و فضیلت آن را همین ایجاد اعتماد به نفس در پیروان دین خدا به حساب آورد و برخاسته از همین فرهنگ الهی است که امام خمینی این معلم و مربی موفق برخلاف عرف سیاسی متداول و علیرغم خودباختگی کشورهای کوچک در مقابل قدرتهای بزرگ با پیامی فرهنگی، الهی، اساس و ریشه ایدئولوژی حاکم بر شرق را هدف قرار می‌دهند و پیش بینی قریب الوقوع شکستن استخوانهای فرهنگ حاکم الحادی را می‌نمایند. [۵۰]

نتیجه آنکه معلم و مربی باید الهام بخش این روحیه، در افراد تحت تعلیم خود بوده، که این خود اصل و مبنائی است اسلامی و قرآنی. امام خمینی می‌فرماید: «هیچ وقت اصلاً کلمه یاس را در ذهنتان وارد نکنید که این از جنود شیطان است یاس از جنود شیطان است» [۵۱] در سابق انگلستان و بعد از او آمریکا و سایر کشورهای قدرتمند دنبال این بودند که با تبلیغات دامنه دار خودشان، به ممالک ضعیف باور بیاورند که ناتوانند باور بیاورند که اینها نمی‌توانند هیچ کاری انجام دهند. اینها باید در صنعت، در نظام، در اداره کشور، دستشان به طرف قدرتهای بزرگ از شرق و غرب دراز باشد [۵۲] و در قسمت دیگری از بیاناتشان می‌فرمایند: شما متوقع نباشید که همین امروز بتوانید طیاره درست کنید، میگ درست کنید، البته الان نمی‌شود اما مایوس نباشید از اینکه می‌توانیم درست کنیم، باید بیدار بشوید بروید دنبال اینکه آن صنایع پیشرفته را خودتان درست کنید» [۵۳] و اصلاً یکی از موانع اقدام به تشکیل حکومت اسلامی همین خودباختگی و عدم اعتماد به نفسی بود

یرمی بغیروتر» [۴۳] و از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «کونوا دعاة للناس بغیر السننکم لیروا منکم الورع والاجتهاد و الصلاة و الخیر فان ذالک داعیه» [۴۴] که آنچه ذکر شد نمونه ای از روایات و کلماتی است که در این مورد از معصومین نقل شده است. در همین زمینه امام خمینی می‌فرماید: «هر کس از خودش باید شروع کند و عقائد و اعمالش را تطبیق با اسلام بدهد و بعد از اینکه خودش را اصلاح کرد آنوقت دنبال این باشد که دیگران را اصلاح کند و خصوصاً شما که در دبیرستانها هستید و همه آنها که سر و کارشان با بچه ها نوباوگان جوانان هست» [۴۴] و در قسمتی دیگر از بیاناتشان می‌فرمایند: «هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است اگر چنانچه خود انسان تربیت نشود نمی‌تواند دیگران را تربیت کند» [۴۵] آن کس که ندارد بسر کوی تو راه در زندگی بی ثمرش حاصل نیست [۴۶]

ج - اعتماد به نفسی

عقده حقارت و خود کم بینی از مهمترین موانع پیشرفت و تعالی انسان و جوامع بشری ی باشد در کتب روانشناسی عواملی از قبیل نام بد - نقص عضو - در بعد فردی، و شکست یک ملت و قبیله، در بعد اجتماعی، برای پیدایش عقده حقارت ذکر کرده اند و لکن عامل و سبب آن هر چه باشد مهبط و پایگاه اصلی آن روح انسانها می باشد در اینجا است که اسلام با تعالیم خویش و ایجاد انقلاب روحی، اعتماد به نفس را به انسانها ارزانی می‌دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مائتین و ان یکن منکم مائة یغلبوا الفاً من الذین کفروا بائهم قوم لا یفقهون» [۴۷] قرآن از ادراکات علمی انسان با تعبیرات مختلفی یاد کرده است از قبیل عقل - علم - حکمت - درایه - شعور - عرفان - یقین - فکر - رأی - حفظ - شهادت - زعم که در آیه مزبور با تکیه بر بعد دیگری از ادراکات انسان که فقه و فهم است، قدرت روحی و اعتماد به نفس برخاسته از آن را بیان می‌کند،

آن قانع شود و اگر توجّه کند که مراتب بالاتری است در این علم، بالفطره آن را می جوید و می خواهد و از این علم که دارد به واسطه محدودیت و نقصش متنفر است و اگر قادری توجّه به قدرتش دارد این توجّه به کمال قدرت است نه نقص آن ... و اگر به قدم وجدان همین مقدار را درک کنی و بیابی ممکن نیست که به جز موجود مطلق به چیزی توجّه کنی و این گنجینه است که انسان را بی نیاز کند از غیر او و هر چه به او برسد از محبوب مطلق رسیده [۵۸] و نیز می فرمایند: «میزان در علم آن است که آیت و علامت و نشانه باشد و خودی و خودیت در آن نباشد و انانیت در محل او محو و نابود شود». [۵۹]

دیده ای نیست نبیند رخ زیبای تو را
نیست گوشی که همی نشنود آوای تو را
هیچ دستی نشود جز بر خوان تو دراز
کس نجوید بجهان جز اثر پای تو را [۶۰]

ه- دوری از سخت گیریهای بی مورد

انسان موجودی است با ابعاد گوناگون - عقلی - هنری - احساسی و تنوع طلب چنانچه یک بعدی از این ابعاد بدون توجه به جوانب دیگر مورد غفلت قرار بگیرد ممکن است اثری نامطلوب و معکوس در روحیه او داشته باشد و چه بسا سبب طغیان گری او شود. بدین جهت است که اسلام در نظام تعلیم و تربیت خود بدان اهتمام وافری داده است پیامبر گرامی اسلام ص «در برنامه های خود آن را به صورت یک اصل ذکر فرموده است که «ما انا من المتکلفین» [۶۱]

از قول یکی از نویسندگان معروف «جلال آل احمد» و علت جذب او در برهه ای از زمان به مکتبهای الحادی نوشته اند: «که پدری داشتیم که نسبت به مسائل مذهبی و انجام آن سختگیر بود و همین عامل نفرت من از مذهب گشت». البته این موج دوباره او را به ساحل افکند و با نوشتار «خسی در میقات» آغازگر دوباره راه معبود گشت امام در یکی از بیانات خود میفرمایند: «مسائل ملایمت و جهت رحمت بیشتر از جهت خشونت تأثیر می کند من در زمان اختناق رضاخانی وقتی در

که در عده ایی از علماء پیدا شده بود که ما نمی توانیم حکومت را اداره کنیم که با پیشگامی امام امت این فکر و روحیه در حوزه ها درهم شکست. امام در بخش دیگری می فرمایند: «هر کاری را که انسان باورش اینستکه ضعیف است نسبت به آن کار، نمی تواند ان کار را انجام دهد». [۵۴]

د - آیت بودن و نشانه شدن از طریق تعلیم و تربیت

از دیدگاه اسلام تمامی عالم مظهر و تجلی ربّ است، مقصد نهائی الله است و صیوروت و رجوع اشیاء به سوی او - علم و تربیت امری است شریف، اما نه علم برای علم و تربیت برای تربیت بلکه برای وصول به حقّ و آیت و نشانه شدن بسوی کمال مطلق.

قرآن کریم در سوره حج پس از بیان مراحل خلقت انسان و شاداب شدن زمین به واسطه نزول باران می فرماید: «ذالک بان الله هو الحق و انه یحی الموتی و انه علی کل شی قدير» [۵۵] و درسوره لقمان پس از بیان تغییرات شب و روز و تسخیر خورشید و ماه - با تکیه بر همان جمله «ذالک بان الله هو الحق» [۵۶] آیت بودن آنان را بیان می کند و در سوره فاطر رابطه روشنی را از علم و طریق آن برای خشیت از خدا را بیان می کند و می فرماید: و من الناس و الدواب و الانعام مختلف الوانه کذالک ائما یخشی الله من عباده العلماء» [۵۷] و این نه امری است که مخصوص علم دین باشد بلکه تمامی علوم مربوط به پدیده ها در انواع مختلف آن در این نظام آیتی قرار می گیرند.

در کتاب «اثبات وجود خدا» می بینیم که تعدادی از دانشمندان از همان بعد علمی و تخصصی خویش این وصول به حق و علم مطلق را مطرح کرده اند و خود این جهت امری است فطری که همه در تکاپوی وصال به آن هستند بی آنکه بعضاً خود توجه داشته باشند امام خمینی می فرمایند: «هر انسانی بلکه هر موجودی بالفطره عاشق کمال است و متنفر از نقص، شما اگر علم می جوئید چون کمال است می جوئید و از این جهت ممکن نیست که فطرت شما به هر علم که دست یابد به

نمودن فطرت از آنجا که انسانها فطرتاً به گونه ای است که امری را بدون دلیل نمی پذیرد. همت و مبنای کاری معلم و مربی باید احیای این قدرت استدلال و تجزیه در متعلم و متربی باشد. امام خمینی در یکی از سخنانشان می فرماید: «فطرت انسانی این طور است که مطلبی را همین طوری قبول نمی کند تا هر چه گفتند فوراً قبول کند این طور نیست بلکه اگر مطلبی به او تبلیغ کردند یا مطلبی را گفتند این دلیل می خواهد که به چه دلیل شما یک همچو مطلبی را مثلاً می گوئید». [۶۹]

ز- گزینش علوم و تربیتهای سازنده

عمرها اندک و دانشها و علوم فراوان است. بدین جهت باید به یادگیری علمی همت گمارد که از گردنه های سخت و موانع فرا راه انسان، او را عبور دهد و به فرموده امام: «انسان عاقل پس از آنکه فهمید که با این عمرهای کوتاه و وقت کم و موانع و حوادث بسیار نمی تواند جامع جمیع علوم و حائز همه فضائل شود باید فکر کند که در علوم کدام یک به حال او نافعتر است و خود را به آن مشغول کند و تکمیل آن نماید [۷۰] با این نگاه و دیدگاه است که اسلام تعلیم علمی مثل - سحر - قیافه شناسی - شعبده و تنجیم را حرام فرموده است آورده اند که پیامبر اسلام (ص) جمعی را مشاهده می کنند که به گرد فردی حلقه زده اند که آشنای به «انساب» و برخوردار از علم «نسابه» است پیامبر فرمود: این دانشی است که جاهل آن ضرر نخواهد دید و دانای آن از نفعی بهره مند نخواهد شد [۷۱] امام خمینی می فرماید: پس کلیه علوم تقسیم شوند به سه قسمت: یکی آنکه نافع به حال انسان است به حسب احوال نشأت دیگر که غایت خلقت وصول به آن است، و این قسمت همان است که جناب ختمی مرتبت علم دانسته و آن را به سه قسمت تقسیم فرمودند و دیگر آنکه ضرر می رساند به حال انسان و او را از وظائف لازمه خود منصرف می کند و این قسم از علوم مذمومه است که نباید انسان پیرامون آنها گردد مثل علم سحر و شعبده و کیمیا و امثال آن - سوّم، آنکه ضرر و نفعی ندارد. [۷۲]

مدرسه فیضیه صحبت می کردم آنگاه که از جهنم و عذاب الهی بحث می کردم همه خشکشان می زد ولی وقتی از رحمت حرف می زدم، می دیدم که دلها نرم می شود و اشکها سرازیر می گردد و این تأثیر رحمت است، با ملایمت انسان بهتر می تواند مسائل را حل کند تا شدت. [۶۲]

آن سرو دل آرای من
آن روح جان افزای من
در سایه لطفش نشین
کاین سایه دل آرا بود [۶۳]

و- تکیه بر عقلانی بودن نظام تعلیم و تربیت

نفس انسان دارای قوا و مراتب مختلفی است برای ادراکات [۶۴] نفس سه مرتبه ذکر کرده اند: ۱- مرتبه حس - ۲- مرتبه خیال - ۳- مرتبه تعقل و این نه به معنای تعدد نفس است بلکه یک نفس است که دارای مراتب گوناگونی است.

اسلام می خواهد که مردم به مرحله درک عقلانی برسند. علم به همراه عقل، و این مسأله ای است که در فرهنگ اسلامی از یکدیگر جدا شده است. قرآن کریم می فرماید: و ما یعقلها الا العالمون [۶۵] - و در کتب حدیثی دو باب خاص و جداگانه تحت عنوان «کتاب العلم» و کتاب العقل و الجهل ذکر شده است. [۶۶] در تعریف که در تمایز آن دو می توان گفت که علم عبارت از فراگیری فرمولها است و عقل عبارت از تجزیه و تحلیل و تشخیص سره از ناسره و صواب از ناصواب می باشد قرآن در این زمینه می فرماید: فبشر عبادالذین یستمعون القول فیتبعون احسنه. [۶۷] که از آیه شریفه استفاده می شود که انسان در نظام تعلیم و تربیت قرآن باید اهل تجزیه و تحلیل و صاحب استدلال جهت انتخاب احسن بوده باشد و اصولاً دعوت اسلامی نیز بر همین مبنا استوار می باشد و نیز می فرماید: ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظة الحسنه. [۶۸]

اگر بپذیریم که تعلیم و تربیت عبارت است از شکوفا

ح - ایجاد حکومت تعلیمی و تربیتی

یکی از اهداف و اصول زندگی انبیاء حاکمیت دادن به تعلیم و تربیت الهی در قالب تشکیل حکومت بوده است زیرا روشن است که، تا هنگامیکه دولتی ضد اخلاق و ستمگر بر مردم و سرنوشت آنان حکومت کند تعلیم و تربیت مقصد کمالی خویش را باز نخواهد یافت. بدین جهت بخش عمده زندگی آنان را مبارزه با عیاشیهای فاسدالاخلاق «مترفین» و مستکبرینی که به هلاکت حرث و نسل چشم دوخته اند، تشکیل می داده است. مرحوم نراقی در این زمینه می نویسد: المناط کل المناط فی تحصیل الکمالات و اخراج النفوس من الجهالات، هو عدالة السلطان، و اعتناءه باعلاء الكلمة و سعيه فی ترویج احکام الدین و الملة و لذا ورد فی الآثار: (ان السلطان اذا كان عادلاً كان شريكاً فی ثواب كل طاعة تصدر عن كل رعیه، و ان كان جائراً كان سهيماً فی معاصيهم) همانطور که ملاحظه می کنید نامبرده عدالت سلطان را اصل اساسی، در تحصیل کمالات معرفی می کند و در چند سطر بعد در سرّ و حکمت آن می نویسد: چه بسا یکساعت عدالت بتمامی شهرها و نواحی گسترش پیدا کند و آثارش تا دورترین زمانها باقی بماند. [۷۳]

بی جهت نیست که امام می فرماید: «هیچ رژیمی مثل حکومت اسلامی نمی تواند انسان را و ملت‌های انسانی را آنطوری که باید اداره کند و تربیت» [۷۴] و با همین اصل بود که با طرح «ولایت فقیه - فلسفه عملی احکام و فقه - حضور تعلیم و تربیت اسلامی را در جوامع بشری متجلی ساخت و در این راه از هیچ کوششی دریغ نوزیدند.

سلام و صلوات خداوند بر معلم و مربی فرزانه امام خمینی(ره) در آن روز که به عزم تحصیل و تهذیب به حوزه علمی راه یافت و آن هنگام که بر مسند تعلیم و تربیت وارستگی چونان شهید مطهری تکیه زد و آن زمان که با اعلام جمهوری اسلامی، در صحنه سیاست جهانی، جلوه علی وار یافت و امید آنکه این یادگار گرانبها تا ظهور دولت یار و حکومت بقیة الله فی الارضین ادامه یافته و مقدمه مبارک بر حکومت جهانی اسلام بگردد که صبح نزدیک است و سپیده در راه «الیس الصبح بفریب».

منابع

مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی حضرت امام خمینی(س)، ص ۵۹.

منابع و یادداشت ها

- [۱]. بقره ۳۱ - ترجمه: خداوند به آدم تعلیم تمامی اسماء داد.
- [۲]. بقره ۲۸۲ - ترجمه: تقوای خدا پیشه کنید خداوند شما را تعلیم می دهد.
- [۳]. سورة الرحمن ۱ - ۲. خدای بخشنده که تعلیم داد قرآن را .
- [۴]. سورة العلق، ۴ - خدا تعلیم داد با قلم
- [۵]. كهف ۶۵ - از نزد خود به او دانشی را تعلیم دادیم.
- [۶]. المیزان ج ۱، ص ۶۲، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان طبع پنجم
- [۷]. به عنوان نمونه: بقره آیات ۱۲۷ - ۱۲۸ - ۲۰۱ - ۲۵۰.
- [۸]. یونس ۳ - ۳۲.
- [۹]. قیامت ۳۰، انسان ۲۴.
- [۱۰]. بقره، ۳۷ - ۱۱۲.
- [۱۱]. آل عمران، ۳۷.
- [۱۲]. بقره ۵ - ۲۶.
- [۱۳]. هود ۶۳ - ۸۸ - ۹۰.
- [۱۴]. اعراف ۲۲ - ۱۸۹.
- [۱۵]. طه ۴۹ - الرحمن ۱۳ - ۱۶.
- [۱۶]. مفردات راغب ص ۱۸۴.
- [۱۷]. الجمعة ۲.
- [۱۸]. بحار ج ۲، ص ۲۰۶.
- [۱۹]. میزان الحکمة، ص ۱۴۹، ج ۳
- [۲۰]. محرم راز، ص ۳۹.
- [۲۱]. میزان الحکمة، ج ۱ ص ۷۸ به نقل از نورالثقلین، ج ۵ ص ۳۹۲، ترجمه: پروردگرم مرا ادب نمود پس نیکو ساخت تأدیم را .
- [۲۲]. محرم راز، ص ۲۹.

- [۲۳] . با استفاده از نه‌ایه الحکمة بحث وجود ذهنی و اتحاد عاقل و معقول و اسفار ج ۸ الباب السادس ص ۲۶۰ «لازم به توضیح است که ملاصدرا هشت دلیل بر تجرد نفس ذکر می‌کند و همین طور چهل حدیث از امام خمینی، ص ۱۹۸ ادله بر تجرد نفس ذکر می‌کنند .
- [۲۴] . اسفار، ج ۸ ص ۱۲، تحت عنوان حکمة مشرقیة و ص ۳۴۵ فصل سوم
- [۲۵] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۴ ص ۱۸۷-۱۸۹.
- [۲۶] . روم، ۳۰، ترجمه: روی خود را به سوی دین حنیف متوجه کن آن دینی که خداوند فطرت مردم را بر آن نهاده است.
- [۲۷] . اصول کافی، ج ۲ ص ۱۰ «من منشورات المكتبة الاسلامیة»
- [۲۸] . نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۳۳ خطبه اول، ترجمه: خداوند پیامبران را یکی پس از دیگری فرستاد تا پیمان فطرت را از آنها بخواهند.
- [۲۹] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۱۴ ص ۳۳-۳۵.
- [۳۰] . تعلیم اصول فلسفه تعلیم و تربیت، ص ۳۱.
- [۳۱] . محجة البیضاء ج ۴ ص ۳۳۶، «تک جلدی» ترجمه: کسیکه هجرتش بسوی خدا و پیامبر باشد هجرتی خدایی و پیامبری دارد و کسیکه هجرتش به سوی دنیا یا رسیدن به همسری باشد هجرتش از زهمان ارزش برخوردار خواهد بود.
- [۳۲] . چهل حدیث ص ۳۳۰.
- [۳۳] . سورة العلق ا.
- [۳۴] . شعراء ۱۸۰، ۱۶۴، ۱۴۵، ۱۲۷ و ۱۰۹
- [۳۵] . انعام، ۹۰
- [۳۶] . بحار ج ۲ ص ۲۰۶
- [۳۷] . بحار ج ۲ ص ۳۱. ترجمه: بپرهیزید از علمی که بدان خواسته باشید به دانشمندان فخر و باسفهاء جدال نمائید یا ریاء در مجالس کنید و یا اینکه توجه مردم را برای ریاست کردن جلب کنید.
- [۳۸] . چهل حدیث، ص ۳۹۴
- [۳۹] . چهل حدیث، ص ۳۳۳
- [۴۰] . تعلیم و تربیت در اسلام «شهید مطهری»، ص ۳۹۰.
- [۴۱] . احزاب، ۲۱.
- [۴۲] . سورة الصف، ۳ - ۲.
- [۴۳] . الحیة ص ۱۱۳، ج ۱
- [۴۴] . الحیة ج ۱، ص ۱۱۳
- [۴۵] . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۱۵ ص ۴۹۱
- [۴۶] . نقطه عطف، ص ۸۱.
- [۴۷] . انفال، ۶۵.
- [۴۸] . آل عمران، ۱۳۹.
- [۴۹] . مکاتیب الرسول، ج ۱ ص ۱۰۵ و ۹۰.
- [۵۰] . نامه امام به گورباچف - نقل مضمون.
- [۵۱] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۱۵ ص ۱۰۱-۱۰۳.
- [۵۲] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۱۴، ص ۳۰۶-۳۰۷.
- [۵۳] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۱۳، ص ۵۳۵-۵۳۷.
- [۵۴] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۱۴، ص ۳۰۶-۳۰۷.
- [۵۵] . حج، ۶
- [۵۶] . لقمان، ۳۰
- [۵۷] . فاطر
- [۵۸] . نقل از جزوه اصول و مبانی تعلیم و تربیت، ص ۶۳۵
- [۵۹] . چهل حدیث، ص ۳۹۳
- [۶۰] . محرم راز
- [۶۱] . سوره ص، ۸۶
- [۶۲] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۱۸ ص ۲۰۲-۲۰۳.
- [۶۳] . محرم راز، ص ۶۷
- [۶۴] . اصول فلسفه و روش رئالیسم، ص ۵۴
- [۶۵] . عنکبوت ۴۳
- [۶۶] . رجوع شود به اصول کافی
- [۶۷] . زمر ۱۸
- [۶۸] . نحل، ۱۲۵
- [۶۹] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۴، ص ۳۱۶-۳۱۷
- [۷۰] . چهل حدیث، ص ۳۹۶
- [۷۱] . الحیة ج ۱، ص ۶۴
- [۷۲] . چهل حدیث، ص ۳۹۶
- [۷۳] . جامع السعادات، ج ۱، ص ۸۶
- [۷۴] . . ر.ک: صحیفه امام ، ج ۸، ص ۴۱۱-۴۱۲

مصاحبه با دکتر علی خالق خواه

دکتر علی خالق خواه دانشیار دانشگاه محقق اردبیلی و دکترای فلسفه تعلیم و تربیت است. به واسطه فعالیت های علمی که در زمینه موضوع محوری این شماره داشته اند، مصاحبه ای با ایشان انجام شد، ضمن تشکر از ایشان ماحصل مصاحبه به حضور خوانندگان محترم ارائه می شود.

? پرداختن به تعلیم و تربیت اسلامی چه ضرورتی دارد؟

دکتر خالق خواه: جامعه ی اسلامی متشکل از مسلمانان و انسانهایی که بتوانند در این جامعه زندگی و نقش ایفا کنند و یکی از اهداف هر نظام تربیتی آماده سازی انسانها برای زندگی پربار در جامعه و متناسب با جامعه است و این امر هم می تواند هم در مدارس و هم در خانواده ها و هم در مؤسسات دینی و مساجد و جاهای دیگر اتفاق افتد. با توجه به جامعیت اسلام از یک طرف و اینکه این مکتب در همه جوانب زندگی اجتماعی و فردی جاری است، تعلیم تربیت اسلامی در یک جامعه ای که مبتنی است بر دیدگاه های اسلامی از ضروریات مهم است.

? مکتب تربیتی اسلامی چه تفاوت هایی با مکاتب دیگر به ویژه انواع غربی آن دارد؟

مکتب تربیتی اسلام که تفاوت هایی با مکاتب دیگر به ویژه با انواع غربی آن دارد. عمده ترین مکتب تربیتی اسلام جمع محور است یعنی آن آموزه های اسلامی عمدتاً چیزی است که بیشتر به درد جمع میخورد و جمع و جامعه در نظر گرفته می شود؛ اما در مکاتب غربی فرد محور است. یعنی دین هم جنبه ی فردی دارد و جنبه ی جمعی ندارد و هم از همه ی ابعاد دیگر زندگی به نوعی جداست و نه در آموزش پرورش جای دارد و نه در سیاست و نه در اقتصاد. اما در مکتب اسلام اینطور نیست، دین در همه ی ابعاد زندگی انسان حضور دارد. در تعلیم و تربیت حضور دارد. سیاست در واقع حضور ذاتی مکتب تربیتی اسلام است. اقتصاد هم همینطور و همه ی ابعاد. بنابراین در جوامع غربی صحبت از دین جنبه فردی دارد؛ اینکه انسان ها خودشان تصمیم می گیرند زندگی دینی داشته باشند یا نباشند و دین در جامعه تبلور و تاثیری قابل توجهی ندارد.

? خواهشمند است عناصر شکل دهنده نظام تربیتی اسلام را برای خوانندگان ما بیان فرمایید؟

عناصر تربیتی در نظام تربیتی اسلام خیلی چیزهاست در وهله اول پرورش انسان ها برای قرب الهی است. هم نیتشان هم عملشان یعنی آن استراتژیکی کلی مان رسیدن به قرب الهی باشد. در این راستا روش هایی مانند هم گرایی، جامع نگر، امر به معروف و نهی از منکر، تفکر و تعقل و حسن خلق داشتن و خیلی چیز های دیگر میتواند مبنا باشد. اما عنصر اصلی تربیت دینی و تربیت اسلامی این است که قرب الهی را مبنا کار قرار بدهیم.

؟ آیا میتوانیم بگوییم در جامعه ی ما ارزش های اسلامی حاکم است و تربیت چه نقشی در این بین داشته یا باید داشته باشد؟

در معنای ایده آل و کمال گرایانه اش هنوز حاکم نشده است. واقعیت این است که ما هنوز انسان های پرورش ندادیم که بتوانند آن ارزش های اسلامی را مبنای کار خود قرار دهند. در این بین تعلیم و تربیت خیلی نقش مهمی دارد؛ می تواند انسان هایی پرورش دهند که ارزش های اسلامی را در وجودشان نهادینه بشود و این نهادینه شدن مستلزم این است که بدانیم چه مراحل و مقاطع سنی ما کدام چیز ها را و کدام مطالب و محتوا را به کودکان ارائه خواهیم داد. نمیشود شما از همان اول برای یک بچه مطالب و محتوا هایی که برای یک بزرگسال است را ارائه دهید. کار علمی کردن مستلزم سیستماتیک عمل کردن است؛ یعنی باید بدانیم از کجا باید شروع کنیم و به کجا برسیم؟ نمیشود تحقق تربیت را به تصادف واگذار کرد. اگر می خواهیم ارزش های اسلامی در جامعه حاکم باشد، نیازمند تعلیم و تربیت در مدارس هستیم هم در خانواده ها و هم در جامعه.

؟ در این زمینه از عاملان دانشگاهی چه انتظاری می رود؟

اساتید و افراد دانشگاهی می توانند به عنوان الگویی برای دانشجویان و برای دیگر افراد جامعه باشند؛ اما لازمه اش این است که یک استاد اخلاقی رفتار کند تا بتواند بر دیگران هم تاثیر بگذارد. اساتید می توانند در محیط آموزشی به ویژه در کلاس ها با عمل، رفتار و گفتار و اندیشه روی دانشجویان تاثیر گذارند. اگر دانشجو ببیند استادش هم رفتارش خوبه هم عملش اسلامی است هم در نهایت به نوعی آن چیز هایی که نیاز است را آن شبهه هایی که در ذهنش وجود دارد رفع کند طبعاً به سمت ارزش های اسلامی خواهد رفت.

آرزوی توفیق دارم برای شما

دکتر علی خالق خواه

معرفی کتاب

ارکان تعلیم و تربیت، اثر ارزشمند علامه محمد تقی جعفری

خلاصه ای از دیدگاه ها و نظرات علامه جعفری درباره تعلیم و تربیت است که ایشان در رساله های دیگر خود به آنها پرداخته است. به بیان ایشان: «در سالهای گذشته درباره حقایق مربوط به تعلیم و تربیت مطالبی را تهیه و تدریس کرده ام و در بعضی تالیفات منتشر شده اند. این روزها با عنایات خداوندی به تحقیق و بررسی مواد حقوق بشری مشغولم، وقتی به مباحث زیر بنایی تعلیم و تربیت به آن تالیفات مراجعه نمودم، احساس کردم کتابی که مطالب مربوط به تعلیم و تربیت را به صورت جامع در آن آورده ام مجلدات مختلف ترجمه و تفسیر نهج البلاغه است.... بنابراین با در نظر گرفتن اینکه اگر مطالعه کنندگان ارجمند را به آن مجلدات ارجاع می دادیم زحمتی دیگر برای آنان فراهم می شد و چه بسا دسترسی به آنها برای مطالعه کنندگان میسر نباشد. بر این اساس همان مطالب را با ذکر ماخذ و خصوصیات در این رساله متذکر شدیم»

از نظر علامه جعفری تعلیم و تربیت نظیر دیگر شئون زندگی انسانی از توجه فراوانی برخوردارند، اما این توجه فراوان نتایج درخشانی را مطابق صرف کردن انرژی های مالی و فکری کلان دربر نداشته است. همچنین تعلیم و تربیت، جمع کردن چند عدد شاخه و چوب و آنها را با میخ و سیم به یکدیگر وصل کردن و یک سر آن را به خاک بردن و آن را درخت پنداشتن، نیست. تعلیم و تربیت، دقت کامل در هسته و شناختن و کاشتن آن در مزرعه پر از درخت ها و گل های بی نهایت متنوع اجتماعی است تا نه تنها در میان آن کشتگاه درختی بارور شود، بلکه امکان سرسبز نگه داشتن آن کشتگاه هم در او به وجود بیاید.

دو کار مهم تربیت از نظر ایشان مشتمل بر الف) قرار گرفتن احساسات و غرایز در مجرای صحیح خود و اثبات خطا بودن محتویات غلطی که در مغز و روان انسانهای مورد تربیت جای گرفتن و پیشرفت کرده اند و ب) تلقین و قابل پذیرش ساختن واقعیت ها، آرمان ها و ارزش های عالی انسانی برای انسان مورد تربیت می باشد. مبانی اساسی تعلیم و تربیت در اسلام را باید در کتاب الله (قرآن)، صفت پیامبر اکرم (ص)، اجماع و عقل جستجو کرد. در این کتاب با توجه به این منابع به «ارکان تعلیم و تربیت» در چهار رکن «مبانی»، «اهداف»، «مربی و معلم» و «متعلم و متربی» پرداخته شده است.

در این کتاب مبانی تعلیم و تربیت مشتمل بر مبانی ثابت و مبانی متغیر است. از مبانی ثابت به عنوان اصول و قوانین اولیه در معرض دگرگونی قرار نمی‌گیرد، و از مبانی متغیر به عنوان آن قسمت از اصولی و قوانین کمی که با نظریه موضوعات و شرایط واقع شده در مجرای تغییرات، در معرض تحولات قرار دارند، بحث شده است.



رکن دوم اهداف تعلیم و تربیت است. در این کتاب اهداف تعلیم و تربیت در قالب موارد پانزده گانه ای مانند تعادل، قدرشناسی از فرهنگ، پرورش خلاقیت، اهمیت درک و به کار بردن دانش، تماس با اندیشه های مهم، سازگاری بهتر با زندگی خانوادگی و ... پرداخته شده است. رکن سوم معلم و مربی است. خداوند اولین معلم و مربی انسان ها است. زیرا اوست که همه نیروهای درک کننده و عوامل پدید آورنده علم را در انسان ها به وجود می آورد.

در رکن از شش شرط اساسی برای معلم شدن انسان ها صحبت به میان می آورد. آگاهی و دانش معلم، اخلاق کاری معلم، ایمان به کار، تداوم تکاپو و فعالیت معلم و در امر تربیت، عشق و علاقه به پیشرفت تکاملی تربیت پذیر و استعداد خدایی این شرایط هستند.



رکن چهارم تعلیم و تربیت متعلم و متربی است. در این رکن از اصول کلی که باید در تعلیم و تربیت شاگردان مورد توجه قرار گیرد بحث شده است.

توجه به خصوصیت سالیان و دوره های زندگی انسان ها، اهمیت و الویت مواد تعلیم و تربیت، تأثیر و نتایج آنها بر روی متربیان با ویژگی های متفاوت، دقت در جریان انتقال از احساسات به تعقل، ایجاد علاقه برای سؤال و مطالبه دلیل و ضرورت انتقال از تشویق و پاداش به حقیقت گرایی اصول ششگانه ای هستند که بحث نسبتاً مفصلی در مورد آنها شده است. بخش آخر کتاب اختصاص به فرهنگ اصطلاحات تخصصی علامه جعفری و نمایه های آیات، روایات، اشخاص و کتاب ها یافته است.

این کتاب برای اولین بار در سال ۱۳۸۸ با تیراژ ۱۱۰۰ نسخه، ۲۴۴ صفحه و در قطع رقعی از طرف موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری منتشر شده است.



نگاهی راهبردی به کتاب: ارکان تعلیم و تربیت

علامه محمد تقی جعفری

نگاهی راهبردی به کتاب:

ارکان تعلیم و تربیت

علامه محمد تقی جعفری



ارکان تعلیم و تربیت

ارکان تعلیم و تربیت

اوست خداوندی که در میان انسان های عالمی، پیامبری از آنان بر انگیخت که آیات خداوندی را برای آنان تلاوت میکرد و آنان را تهذیب می نمود و کتاب و حکمت برای آنان تعلیم میکرد. -سوره جمعه، آیه ۲



مرکز راهبردی جبهه فکری انقلاب اسلامی

کتاب تعلیم و تربیت اسلامی، علی شریعتمداری

گرد آورنده: مؤده نادری

کتاب تعلیم و تربیت اسلامی، در موضوع تعلیم و تربیت و ادیان کتابی تخصصی اما به زبانی ساده و قابل فهم در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی و توسط انتشارات امیرکبیر در ۲۵۰ صفحه به چاپ رسیده است. کتاب در ۵ فصل انقلاب فرهنگی و آموزشی، ویژگی های اساسی انسان، نظام تربیتی اسلام، آموزش در اسلام و هدفهای تربیتی اسلام را پوشش می دهد. در این کتاب مسئله اصلی تعلیم و تربیت جدیت در آن عنوان شده و از جوانب الهی، هدایتی، پویایی، عقلانی و انقلابی نظام تربیتی اسلام بحث شده است.

در این کتاب از دو طریق آموزش بحث به میان آمده است. یکی عادت دادن و دیگری طریق تربیتی است. پایه عادت دادن ایجاد واکنش شرطی در فرد است. با ذکر یک عنوان و طرح مطلب معین و تکرار این امر میان این دو در ذهن فرد رابطه ای برقرار می شود و فرد با طرح عنوان خود به خود مطالب ارائه شده را به ذهن منتقل می سازد. در تلقین پذیری فرد آنچه را که ارائه و تکرار می شود را می پذیرد و در جریان عادت دادن نتیجه آموزش قابل پیش بینی است. در طریق دوم که روش تربیتی است تفکر نقش اساسی دارد. فعالیت فرد بطور کلی اساس کار تشکیل می دهد و معلم نقش راهنما را دارد و در جریان تعلیم و تربیت فهم جانشین مجاورت و تکرار می شود. روش های تربیتی اسلام متنوع است. از آن جمله می توان از تلفیق علم و عمل، توأم ساختن ایمان و عمل، تربیت عملی، روش عقلانی، امر به معروف و نهی از منکر، جهاد، پاداش و تنبیه، توبه، روش پند و اندرز، تربیت از طریق ذکر مثل، تربیت از طریق قصه و سرگذشت اقوام و ملل و دعا و نیایش نام برد.

در بخش اصلی کتاب با استناد به قران و روایات هدفهای تربیتی اسلام را به ترتیب زیر خلاصه می کند.

۱- پرستش خدا هدف اساسی تربیتی: شناخت خدا و پرستش او، و ایمان به خدا هدف اصلی و اساسی نظام اعتقادی اسلام است.

۲- تقوا: وقتی این کلمه در زمینه اخلاقی و تربیتی مورد انسان بکار میرود به معنای حفظ خود، قرار دادن اعمال و رفتار خود در مسیر عقلانی است

۳- تعلیم حکمت

۴- پرورش روح عدالتخواهی

۵- تکامل انسان: انسان در مکتب اسلامی مقامی والا دارد

۶- برادری و همکاری

۷- دوستی با ملل دیگر

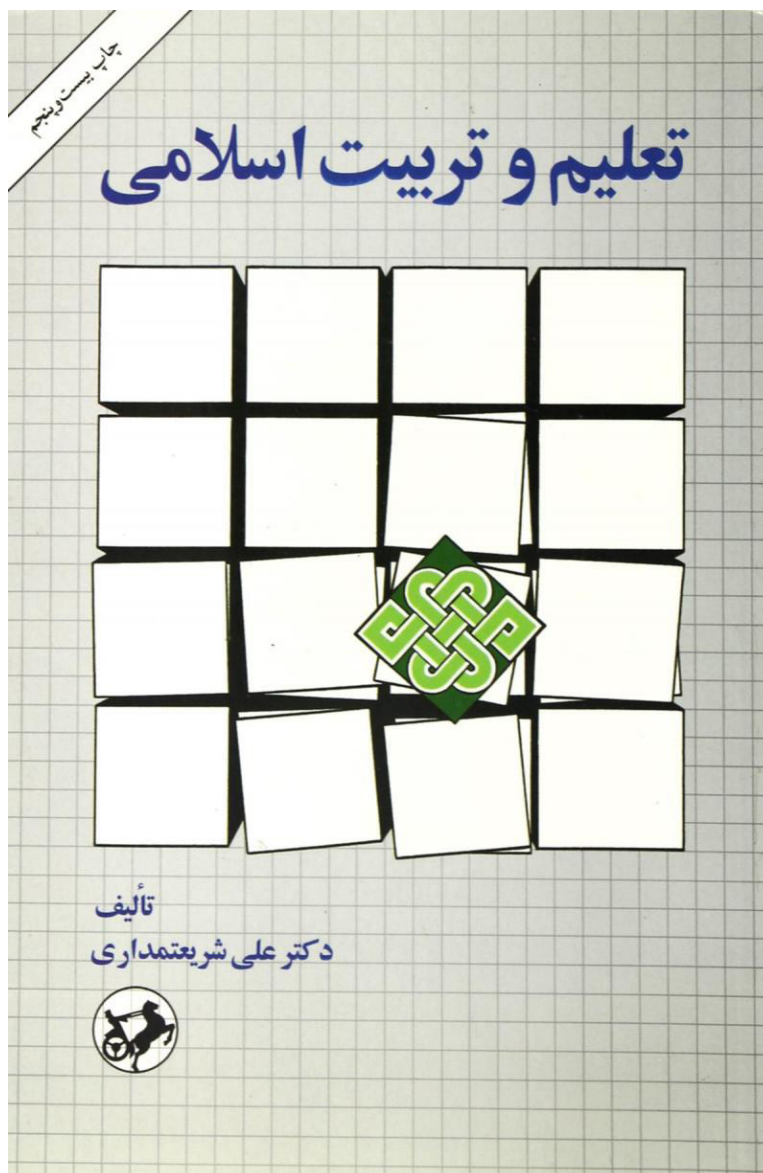
۸- پرورش نیروی تفکر

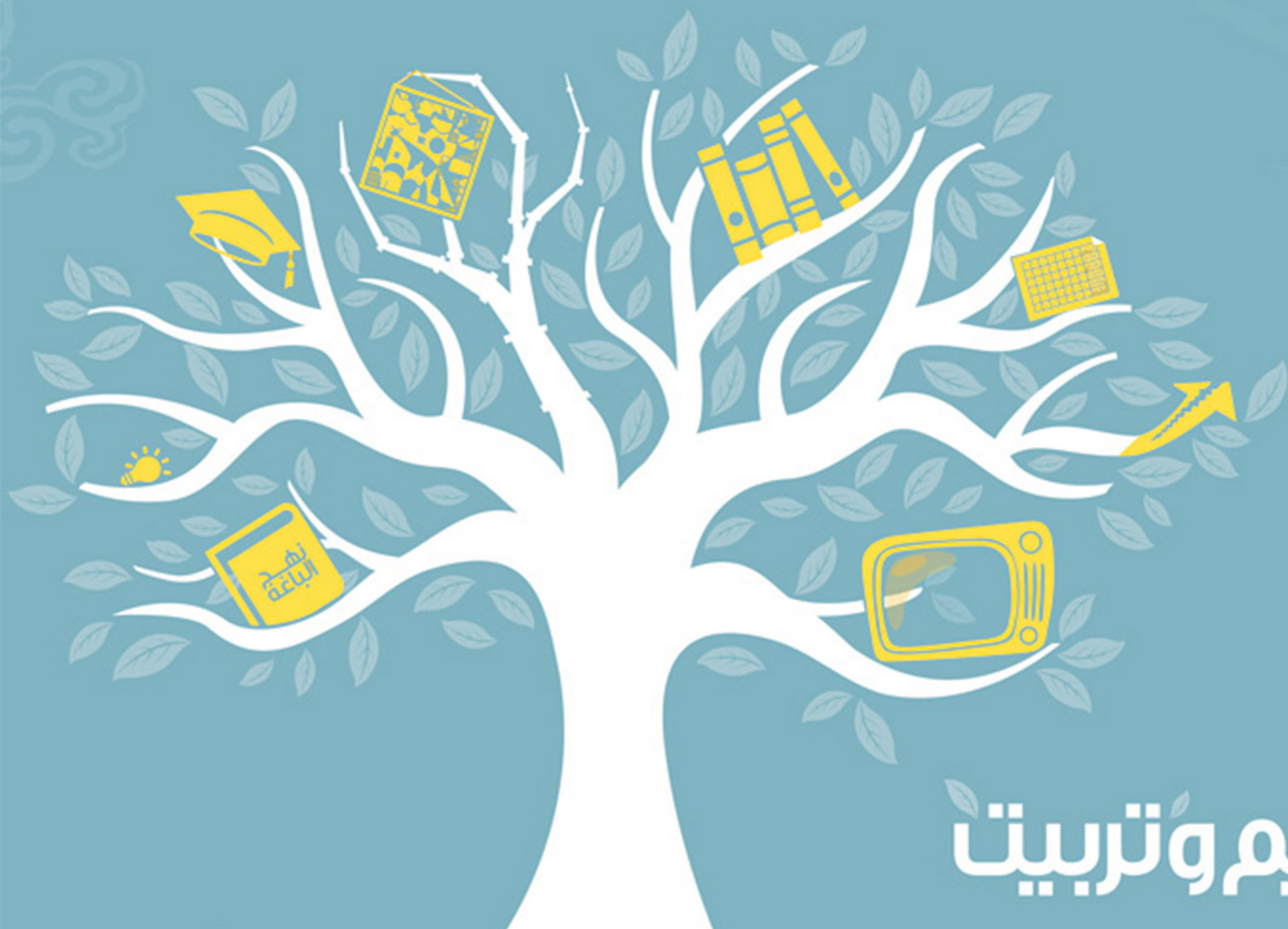
۹- پرورش روح اجتماعی

۱۰- پرورش شخصیت اخلاقی

مطابق نظر شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی این کتاب با وجود روان و ساده بودن، خوب و معنادار بودن طرح و - توجه نسبی به مباحث روز جامعه اسلامی و پاسخگویی به برخی نیازهای جامعه، جهت گیری مثبت نسبت به توانمندیهای سیستم تربیت اسلامی و استقلال آن نیازمند دقت نظر در اصلاح موارد زیر می باشد:

- عدم بهره‌گیری از ابزارهای خاص علمی
- فقدان جامعیت در محتوای تناسب و موضوعات تربیتی اسلام
- عدم نظم مباحث و عناوین کتاب
- عدم کفایت در ارجاع به منابع و مأخذ اسلامی و ضعف استنادات
- طرح مباحث اجتماعی و فرهنگی حاشیه‌ای - در حال حاضر نوآوری به حساب نمی‌آید با توجه به کتاب‌های منتشره در سال‌های اخیر فقدان جامعیت مطالب کتاب با توجه به سرفصل‌های درس تعلیم و تربیت اسلامی
- فقدان توضیح کافی درباره شواهد ارائه شده از نظام تربیتی اسلامی
- خلط انسان‌شناسی اسلامی با اندیشه‌های جان دیویی





تعليم و تربيت